


واکاوی راهبرد ساختاری فرهنگ پیشرفت و توسعه، در تحقق

اهداف اقتصاد مقاومتی (با تکیه بر زیرساخت‌های فرهنگی - اجتماعی)

حسین بهرامی ثابت^۱، احمد آذین^۲، محمد علی چیت ساز^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۹

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال بیست پنجم، شماره ۹۴، بهار ۱۴۰۱

 ۲۰/۱۰۰۱/۱۷۳۵۵۰۱/۱۴۰۱/۲۵/۹۴/۳/۸

چکیده

اقتصاد مقاومتی مفهومی است که در پی بحران‌زدایی و مقاوم‌سازی مطرح می‌شود که تبیین زیرساخت‌های راهبردی آن قطعاً پیش شرط و الزام دستیابی به اهداف آن است؛ اما می‌توان اذعان داشت، شناخت و ارزیابی روابط میان متغیرهای فرهنگی و اجتماعی به‌عنوان شاخص‌های زیرساختی که نقش هرکدام می‌تواند توازن و مسیر پیشرفت را تحت تأثیر قرار دهد کمتر مورد توجه قرار گرفته و شناخت کافی از این پدیده در دست نیست. هدف پژوهش حاضر شناخت زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی شکل‌دهنده فرهنگ توسعه است. روش‌شناسی مورد استفاده در این پژوهش ترکیبی از روش کیفی مبتنی بر نظریه داده بنیاد، جهت استخراج مدل نظری و آزمون مدل در مرحله کمی پژوهش است. به‌منظور گردآوری داده‌های لازم در این پژوهش مصاحبه ساختار نیافته با ۳۰ خبره و استاد حوزه جامعه‌شناسی، فرهنگ و اقتصاد مقاومتی صورت گرفته است. نتایج حاصل، مبین آن است که حوزه ارزش‌ها و اعتقادات، خانواده، آموزش، الگوها و ارتباطات و مهم‌تر از همه مدیریت و سیاست‌گذاری به‌عنوان زیرساخت‌های اساسی شناسایی و استقرار و تثبیت فرهنگ توسعه مبتنی بر تحقق اقتصاد مقاومتی نتیجه نهادینه‌سازی فرهنگ توسعه در جامعه است که در مواردی منجر به تکوین باورها و عقاید، وقایت ارزش‌های جامعه و نگاره بندی هنجارها در جامعه می‌شود.

کلیدواژگان:

فرهنگ پیشرفت و توسعه، توسعه درون‌زا، اقتصاد مقاومتی، جامعه‌پذیری، نهادینه‌سازی

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان ایران

h_bahrani_57@yahoo.com

^۲ استادیار گروه علوم سیاسی واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده

مسئول) a.azin@khuisf.ac.ir

^۳ استادیار گروه جامعه‌شناسی واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران mad3175@yahoo.com

۱- مقدمه و بیان مسئله

۱-۱- مقدمه موضوع

تجربه سال‌ها برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و به‌کارگیری اصول اقتصادی جوامع، صاحب‌نظران اقتصادی را به این باور رساند که سه حوزه اقتصاد، سیاست و فرهنگ، پایه‌های اساسی در هر نظام هستند که به‌طور مؤثری در تقابل و تعامل باهم بوده و توأمان موجبات رشد و پیشرفت جامعه را فراهم می‌سازند. از این‌رو با تکیه بر نظریات علمی و تجارب حاصله از روند پیشرفت و توسعه جوامع، اهمیت حوزه فرهنگ به‌عنوان محور اصلی و مسلط پیشرفت و توسعه بر کسی پوشیده نیست. به همین جهت ضعف‌های اقتصادی مشهود عموماً از محل شناخت و به‌کارگیری بافت فرهنگی است. لکن در کشور ما نیز با پایه‌گذاری نظامی مبتنی بر مفاهیم غنی اسلامی (حوزه سیاسی) نمی‌توان در بعد اقتصادی با یک اقتصاد سرمایه‌گذاری غربی و غیربومی جامعه را به‌سوی پیشرفت هدایت نمود. کما این‌که این دو مقوله اساساً و به شکل بنیادین باهم ناسازگارند. مطالعه رویدادها در تطور تاریخی کشورمان به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی همواره نمایانگر زورگویی‌ها، عهدشکنی‌ها و تحریم‌های ظالمانه جهت ایجاد فشار و ازهم‌گسیختگی ارکان سه‌گانه مذکور بوده است. برای برون‌رفت از این بحران در دهه‌های اخیر لندی‌شمندان به‌ویژه در حوزه توسعه در جستجوی علل و عوامل مؤثر در تفاوت میزان رشد و توسعه کشورهای مختلف بوده‌اند، که نظریه‌ها و آراء مختلف و گسترده‌ای را نیز بیان داشته‌اند. در میان مجموع آراء بیان‌شده، مجموعه‌ای از نظرات تأکید خود را بر متغیرهای اقتصادی و گروه دیگری، سعی کرده‌اند عوامل مربوط به نیروی انسانی و نهادهای اجتماعی را بیشتر موردتوجه قرار دهند. از سوی دیگر مشکلات و چالش‌های امروزه مانند کم‌رنگ شدن اعتماد و اعتقاد به پیشرفت و توسعه و ازاین‌دست، در ادوار مختلف کشور یکسان نبوده و هر از چندگاهی با بروز مسائل جدید، شرایط برای انتقال دانش، دستیابی به توسعه درون‌زا و برون‌نگر دشوارتر گردیده است. لذا علیرغم تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌های به عمل آمده، صدمات و آسیب‌های عمیقی بر تعاملات ارکان مذکور وارد شده است.

در همین راستا سال‌های اخیر با شدت یافتن تحریم‌های ظالمانه غرب علیه کشورمان، باهدف متوقف کردن برنامه‌های توسعه‌ای، الگوی متناسب با نظام سیاسی و فرهنگی ایران، تحت عنوان اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۹ مطرح گردید. معظم له اقتصاد مقاومتی را معنا و مفهومی از کارآفرینی معرفی و برای رفع نیاز اساسی کشور دو دلیل فشار اقتصادی دشمنان و آمادگی کشور برای جهش را معرفی نمودند. ارکان اساسی



این آرمان پنج محور اصلی مقاوم بودن اقتصاد، حمایت از تولید ملی، مدیریت منابع، مدیریت مصرف و استفاده از همه ظرفیت‌های کشور را در بردارد. در همین راستا و با تکیه بر توسعه درون‌زا و برونگر می‌توان اذعان داشت، توسعه درون‌زا به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم و اساسی اقتصاد مقاومتی برای هر جامعه با دو خصوصیت اساسی تأثیرگذار خواهد بود، یکی از لحاظ وسیله که باید از درون تولیدشده باشد و دیگری از نظر هدف که باید در خدمت انسان‌های همان جوامع باشد. بنابراین توسعه درون‌زا بر پایه دو اصل بنا شده است، اصل اول هویت فرهنگی که در آن نخست باید برداشتمان از فرهنگ مشخص شود و اصل دوم نحوه اجرای توسعه درون‌زا است. مطالعات نشان می‌دهد، از دیرباز عوامل گوناگون اجتماعی بعضاً باعث تضعیف و یا عدم کارایی توسعه درون‌زا در جامعه گردیده‌اند. این عوامل در برخی موارد تأثیر منفی بر سیستم اجتماعی داشته و نه تنها عملکرد آن را با اختلال روبرو ساخته بلکه ادامه روند پیشرفت و توسعه در بلندمدت را تهدید می‌کند. این دسته از عوامل که در واقع می‌توان آن‌ها را به‌عنوان چالش‌های پیش روی پیشرفت کشور بشمار آورد از تعدد و تنوع خاصی برخوردار است. این نکته بدین معنی است که در رسیدن به اهداف توسعه‌ای کشور و دستیابی به توسعه درون‌زا موانع جدی بر سر راه تعالیم پایه‌ای و بنیادین و فرهنگ‌سازی پیشرفت و توسعه وجود دارد. لذا یکی از راهبردهای مهم و اساسی در دستیابی به این هدف بزرگ، که در دهه‌های اخیر از دید برنامه ریزان و سیاست‌گذاران مغفول مانده است، تبیین زیرساخت‌های اجتماعی - فرهنگی لازم فرهنگ توسعه به معنای جامعه‌پذیری و نهادینه‌سازی باورها، اعتقادات، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی مناسب برای زمینه‌سازی توسعه و اقتصاد مقاومتی، به‌عنوان بخشی از توسعه فرهنگی می‌باشد. بنابراین مساله اصلی این پژوهش، پاسخ به این سؤال است که برای راهبری جامعه به سوی پیشرفت و توسعه و تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی بر اساس شکل‌گیری فرهنگ توسعه به چه زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی نیاز است؟ بر اساس این مساله، مقاله حاضر پس از مروری بر ادبیات موضوع و بررسی اهم تحقیقات صورت گرفته، با معرفی روش پژوهش، به استخراج الگوی مفهومی زیرساخت‌های یادشده پرداخته و پس از توصیف دلالت‌های الگوی مذکور ضمن جمع‌بندی، به ارائه پیشنهادهایی حول محورهای شناسایی شده می‌پردازد.

۱-۲- ضرورت موضوع:

کشور ما در واقعیتی متقن با فهرستی طولانی از فرصت‌های مادی و معنوی مواجه است، لذا دستیابی به پیشرفت و توسعه بر پایه فرهنگ متناسب با آن و در قالب اقتصاد مقاومتی، به معنای کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد و تداوم رشد اقتصادی منوط به استفاده از



این فرصت‌ها است. در همین راستا در بیانیه گام دوم انقلاب نیز بر این موضوع تأکید گردیده است. "گفته شده است که ایران از نظر ظرفیت‌های استفاده‌نشده طبیعی و انسانی در رتبه اول جهانی است. بی‌شک شما جوانان مؤمن و پرتلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید. دهه دوم چشم‌انداز باید زمان تمرکز بر بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته و نیز ظرفیت‌های استفاده‌نشده باشد و پیشرفت کشور از جمله در بخش تولید و اقتصاد ملی ارتقاء یابد" (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷: ۸). از این رو توجه به چالش‌های حوزه تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری و کارآفرینی، حوزه تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی، حوزه هماهنگ‌سازی و بسیج پویای همه امکانات کشور، حوزه مدیریت (حوزه اقتصاد دانش‌بنیان، کارآفرینی و بهره‌وری) و حوزه تفهیم عامه و همچنین خطراتی که موضوع اقتصاد مقاومتی و توسعه درون‌زا را به‌عنوان یک راهبرد مورد تهدید قرار می‌دهد و توجه به ضرورت هماهنگی تغییرات توسعه‌ای باهدف جلوگیری از ایجاد شکاف و تنظیم تناسبات بین عوامل برای اجتناب از اختلال در کل نظام اجتماعی، محقق را به سمت عامل مهم و ساختاری شناخت زیرساخت‌های اجتماعی - فرهنگی لازم برای رفع و اصلاح این‌گونه موارد که کمتر مورد توجه برنامه ریزان و سیاست‌گذاران واقع شده است سوق داد. از جمله عوامل، مطالب و نظریه‌های علمی (طبق مطالعات در دهه‌های اخیر) که به فهم و درک این مقوله کمک می‌کند، بحث جامعه‌پذیری فرهنگ پیشرفت و توسعه و ورود به عرصه اقتصاد مقاومتی است. این در حالی است که، مسئولان هر جامعه‌ای از جمله مسئولان جامعه ما در این تلاش هستند که ارزش‌ها، هنجارها و قوانین لازم را در افراد جامعه نهادینه کنند. حال آنکه می‌بایست زیرساخت‌های لازم جهت شکل‌گیری فرهنگ پیشرفت و توسعه مورد موشکافی و بازشناسی تخصصی قرار گیرد. لکن در این تحقیق بررسی زیرساخت‌ها نه در معنای مصطلح فنی و مهندسی آن بلکه در معنای انسانی و اجتماعی‌اش مورد نظر قرار گرفته است. در حقیقت شناخت زیرساخت‌های مطرح شده می‌تواند سرآغازی برای تحول گسترده و فراگیر در روند پیشرفت و توسعه کشور باشد که ضمن اینکه استقلال فکری و نظری و فرهنگی کشور را حفظ و تقویت می‌کند زمینه‌ساز گشایش افق نوینی برای تحقیقات و واکاوی‌های لازم در جامعه می‌گردد؛ اما در نهایت نتایج حاصل شده، ضمن زمینه‌سازی برای تسریع و تسهیل در پیاده‌سازی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، می‌تواند مورد بهره‌برداری در حوزه‌های مختلف اجرایی و زیرساختی قرار گیرد.



در فرایند انجام این تحقیق مهم‌ترین گام، پی بردن به اهمیت زیرساخت‌های فرهنگی - اجتماعی و تبیین این نکته است که زیرساخت‌های مذکور نیز همچون سلف خویش، یعنی زیرساخت‌های فنی - مهندسی از عارضه نامرئی شدن به‌مرور زمان رنج می‌برند. چراکه معمولاً پنج ویژگی مهم و اساسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مورد توجه قرار نمی‌گیرد. اول اینکه هر نوع فعالیت در حوزه فرهنگی - اجتماعی کیفی است، دوم اینکه فعالیت‌ها از جنس ساختاری است، سوم، اگرچه نتایج این فرایندها در درازمدت حاصل می‌شود، اما ماندگار و مستمر است، چهارم، این فعالیت‌ها قابلیت تغییر سرنوشت تاریخی یک جامعه را دارد و پنجم اینکه کنش‌ها و بینش‌ها را در جامعه نهادینه می‌کند. بنابراین پرداختن به اینکه چه ساختاری در حوزه فرهنگی - اجتماعی می‌تواند بهترین حلت ممکن را برای ارتقاء فرهنگ توسعه و بسترسازی آن، جهت بهره‌برداری در جامعه و دستاوردهای بعدازآن فراهم کند، موضوع اصلی این پژوهش بشمار می‌آید. بنابراین بر اساس دیدگاه آینده‌پژوهی به نظر می‌رسد نتایج این تحقیق از یک‌سو ویژگی‌های فرهنگی و ارزشی زمینه‌ساز فرهنگ توسعه را در برنامه‌های زیرساختی کشور و تحقق اقتصاد مقاومتی به ارمغان آورده و از سوی دیگر پیدایش زمینه‌های مناسب اجتماعی جامعه را در نهادینه‌سازی فرهنگ توسعه فراهم نماید. در نهایت ضمن اینکه فرصت تکرار خطاهای تاریخی برای کشور از دست‌رفته است و انجام تحلیل روند شکل‌گیری این نوع تحقیقات و کشف زوایای گوناگون دستیابی به الگوهای مختلف مسیر را برای تحقیقات بنیادین این حوزه گشوده و امید است فضای جدیدی را در حوزه کشف زیرساخت‌ها به وجود آورد.

۱-۳- مساله اصلی:

چند دهه قبل عموم صاحب‌نظران بر این باور بودند که پیشرفت و توسعه مفهومی اقتصادی دارد. به عبارتی توسعه صرفاً جنبه اقتصادی داشت و جوامع برای دستیابی به پیشرفت و توسعه، اقتصاد خود را تقویت می‌نمودند؛ اما این روند با شکست جوامعی تغییر یافت که فقط معیارهای اقتصادی را در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری خود در دستیابی به پیشرفت در نظر گرفته بودند. از این‌رو مفهوم یک‌بعدی پیشرفت و توسعه رفته‌رفته رنگ باخت. امروزه محققان، آینده‌پژوهان و سیاست‌گذاران باور دارند هر کشوری که فرهنگ برتر داشته باشد، فاتح میدان رقابت آینده است، به‌این ترتیب در قرن حاضر، پیشرفت و توسعه مفهومی اقتصادی ندارد، بلکه تمرکز بیش از هر چیز به زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی که پیشرفت و توسعه در آن تحقق می‌یابد و همچنین شرایطی که به آن فرهنگ خاص مربوط می‌شود معطوف گردیده است. به‌طور کلی فرهنگ اساس جامعه را پایه‌ریزی نموده و هر جامعه‌ای دوام و بقای آن معطوف به اصول فرهنگی است که هویت جامعه را



می‌سازد. از این‌رو رابطه فرهنگ و توسعه از دو منظر حائز اهمیت است. اول، نقش خلاقانه و ایجاز‌گونه فرهنگ در فرایند توسعه است که خالق روندی نو در پیشرفت جامعه می‌شود و دوم نقش تأثیرپذیر جوامع و خلق فرهنگ منتج از فرایند توسعه است. مساله اصلی در این مقال، شناخت عوامل و شاخص‌های زیرساختی شکل‌گیری جایگاه نخست است. در این مفهوم، فرهنگ به‌عنوان پیشرو و عامل مؤثر بر پیشرفت و توسعه تلقی می‌شود. از این مسیر به تعریفی از فرهنگ توسعه می‌رسیم. فرهنگی که از وجود باورها، اعتقادات، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی مناسب برای زمینه‌سازی توسعه اقتصادی تشکیل می‌شود. در کشور مایکی از راهبردهای مهم و اساسی موجود برای دستیابی به فرهنگ مناسب که آن را فرهنگ توسعه می‌نامیم، استقرار نظام اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد مقاومتی، به معنی روش‌های صحیح تصمیم‌گیری اقتصادی در شرایط فشار، تحریم و کمبود منابع در جامعه است، به‌نحوی که این الگو موجب ایجاد امنیت و ثبات در اقتصاد و عدم تزلزل در برابر تهدیدها و شوک‌های اقتصادی می‌گردد و درنهایت جامعه را به آرمان بزرگ پیشرفت و توسعه درون‌زا و برون‌نگر رهنمون می‌شود.

سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی الگویی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی است که متناسب با شرایط حال و آینده کشور است. مطالعات و بررسی هل نشان می‌دهد که افراد جامعه از آمادگی بالایی در خصوص تبعیت از اقدامات در راستای مصالح ملی و اجتماعی برخوردار هستند، اما به دلیل عدم آموزش و شناخت کافی از مصادیق آن قادر به رفتارهای متناسب نیستند.^۱ بنابراین به نظر می‌رسد بهترین راه برای اصلاح وضعیت اقتصادی، تصحیح فرهنگ اقتصادی متناسب با ارزش‌ها، باورها و اعتقادات در جامعه است. توجه به ظواهر و رونمای فیزیکی جوامع غربی از یک‌طرف و هیجانانگیزی ملی‌گرایی برای ساخت سریع جامعه از طرف دیگر (علیرغم ویژگی ارزشی) در کشورهای درحال توسعه مبدل به یک جریان انحرافی شده است. اگرچه در دهه‌های اخیر دانشمندان جامعه‌شناسی حوزه توسعه در جست‌وجوی علل و عوامل مؤثر در تفاوت میزان رشد و توسعه کشورهای مختلف بوده‌اند و نظریه‌های متنوع و گسترده‌ای را بیان داشته‌اند که از مهم‌ترین این نظریه‌ها می‌توان به نظریه‌های نهادی و ارزش‌های اجتماعی (ماکس وبر، رابرت بلاه، کلیفورد گیرتز و رز) و نظریه‌های فرایندی (دانیل لرنر و ویلبرت مور) اشاره کرد؛ اما آنچه از اهمیت و حساسیت آنان در تدوین آراءشان برمی‌آید کم‌توجهی به ابعاد مختلف شاخص‌های زیرساختی در فرهنگ‌سازی است.

^۱ (به‌عنوان نمونه تحقیق آقلری و همکاران، رجوع به منبع)



لذا این تحقیق ضمن توجه به نیاز روز کشور به مقوله اقتصاد مقاومتی و درک صحیحی از توانایی‌های درونی و بالقوه‌ای که این راهبرد می‌تواند در راستای حل مشکلات داشته باشد، به دنبال پاسخ به این سؤال است که زیرساخت‌های فرهنگی - اجتماعی شکل‌دهنده فرهنگ پیشرفت و توسعه که منتج به اجرای صحیح سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و در نهایت توسعه درون‌زا می‌شود کدام‌اند؟

۱-۴- اهداف پژوهش:

پژوهش حاضر قصد دارد راه‌های رشد و ارتقاء فرهنگ پیشرفت و توسعه را در قالب ارائه یک مدل نشان داده و عناصر و روابط موجود در این مدل را بیان نماید. در نهایت سعی این تحقیق بر آن است که با بررسی فضاها و شاخص‌هایی که می‌توانند کارکرد زیرساخت‌های فرهنگی - اجتماعی را در جامعه نمایان کنند، گامی هرچند کوتاه بر تقویت فرهنگ پیشرفت و توسعه با تکیه بر توسعه درون‌زا و اقتصاد مقاومتی در کشور بنهد. لذا اهداف اصلی و فرعی به شرح زیر تدوین گردیده است.

هدف اصلی پژوهش:

شناخت زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی شکل‌دهنده فرهنگ پیشرفت و توسعه منتج به تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی

اهداف فرعی:

- واکاوی زیرساخت‌های فرهنگی - اجتماعی شکل‌دهنده فرهنگ توسعه
- تعیین عوامل محوری در شکل‌گیری فرهنگ توسعه
- شناخت راهبرد اجرایی و پیامدهای ناشی از به‌کارگیری زیرساخت‌های اجتماعی - فرهنگی
- شناخت میزان اهمیت هر یک از عوامل مؤثر بر فرایند شکل‌گیری فرهنگ توسعه

نحوه سازمان‌دهی مقاله:

بر اساس مساله اصلی، این پژوهش پس از مروری بر ادبیات موضوع و بررسی پیشینه اهم تحقیقات صورت گرفته، با معرفی روش پژوهش، به استخراج الگوی مفهومی زیرساخت‌های فرهنگی اجتماعی فرهنگ توسعه پرداخته و در ادامه به ارائه الگوی مذکور می‌پردازد و در نهایت ضمن جمع‌بندی به ارائه پیشنهادهایی کاربردی، خواهد پرداخت.



۲- ادبیات موضوع و پیشینه

هر جامعه‌ای برای انجام دادن کارکردهای ضروری خود و برآوردن نیازهای حیاتی اعضایش پنج نهاد بنیادی در اختیار دارد که عبارت‌اند از: نهاد خانواده، نهاد آموزشی، نهاد سیاسی، نهاد اقتصادی و نهاد مذهبی. هرچند که مردم عموماً از رها کردن سنت‌ها، ارزش‌ها و رسوم کهن و پذیرش ارزش‌های تازه به‌جای آن‌ها کراهت دارند. (کوئن، ۱۳۸۵: ۴۶) لذا امروزه تحول در درک و مفهوم ابعاد فرهنگی پیشرفت و توسعه اهمیت بسیار زیادی پیدا کرده است. در واقع در جریان‌ات دهه ۸۰، آگاهی از بعد فرهنگی فراتر رفت و به شناخت معیارها و موانع فرهنگی توسعه منجر شد. برخلاف گذشته، فرهنگ دیگر به‌مثابه یک بعد فرعی و تزئینی توسعه نیست، بلکه حتی به‌عنوان بافت جامعه در روابط کلی‌اش با توسعه و نیروی درونی جامعه مشخص و تعریف شده است.

فرهنگ توسعه و رابطه آن با توسعه فرهنگی:

برخی بر این اعتقاد هستند که فرهنگ مسلط بر همه چیز است، یعنی تمام اجزای جامعه جای گرفته است در یک فضای کلی فرهنگی عده‌ای نیز نگاهی متفاوت به این مقوله دارند، بدین شکل که فرهنگ را مجموعه‌ای از آداب و رسوم و عادت‌های رفتاری می‌پندارند، اگرچه در تحقیق حاضر تأکید بر نگاه دوم است به موضوع فرهنگ، با طرح سؤالاتی چون شهروندان یک جامعه دارای چه ویژگی و رفتاری باشند تا همسو با ساختارها و سیاست‌ها و فرایند توسعه باشند؟ برای رسیدن به توسعه همه‌جانبه و درون‌زا چه نوع رفتار اجتماعی لازم است؟ همان‌طور که میدانیم روند توسعه کل‌گرایانه است، بدین معنی که توسعه فرهنگی با توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی درهم‌تنیده است، با این تفاوت که در سطوح توسعه، توسعه فرهنگی زیربنای دیگر توسعه‌ها است. (بنیانیان، ۱۳۸۶: ۹۶) فرهنگ کمک می‌کند که چه موقع افراد برای سیراب کردن نیازها گرد هم آیند و روشن می‌کند که این اقدامات چگونه انجام شود (Hultman, 2002:70). به‌عنوان نمونه مکتب فرهنگ‌گرایی درصدد این است که فرهنگ را همانند نظام رفتارهای آموخته و انتقال‌یافته از آموزش و پرورش، تقلید و شرطی شدن در یک محیط اجتماعی معین تعریف کند. (Boudon, 1999:53) مفاهیم مهم و بنیادین توسعه فرهنگی و فرهنگ توسعه در برنامه‌های ملی اثر بسیار زیادی داشته‌اند، توسعه فرهنگی اشاره به این نکته دارد که ما زندگی فرهنگی خویش را در جامعه ارتقاء می‌بخشیم یا به ارزش‌های متعالی فرهنگ دست‌یابیم؛ اما در فرهنگ توسعه، فرهنگ ملاک و هدف نبوده و آنچه مرکز توجه است



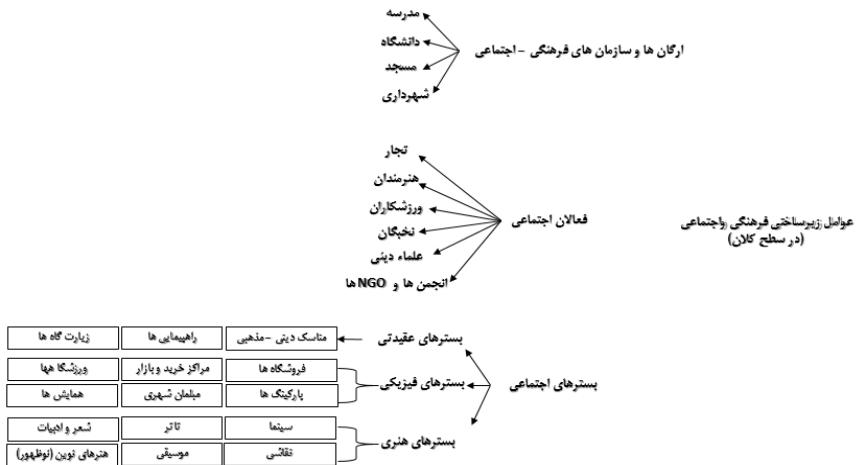
دستیابی به برنامه‌ها و فرایندهای توسعه است. بنابراین عامل فرهنگ از جایگاه ویژه‌ای در توسعه برخوردار است. بی‌توجهی و کم‌توجهی به آن تمام برنامه پیشرفت و توسعه را با ناکامی مواجه خواهد ساخت. بنابراین لازم است به‌صورت خاص رابطه فرهنگ و توسعه را کاملاً شناخته و در برنامه‌های توسعه به آن توجه کافی مبذول داشت.

زیرساخت‌ها:

زیرساخت اجتماعی - سرمایه اجتماعی - مفهومی که عموماً برای سنجش روابط افراد و شبکه‌های بین شخص بکار می‌رود نیست، بلکه شرایط فیزیکی است که چگونگی توسعه سرمایه اجتماعی را تضمین می‌کند. زیرساخت اجتماعی به هنگام قوت، مشوق ارتباط، حمایت متقابل و همکاری میان دوستان و همسایه‌ها است. به هنگام ضعف، مانع فعالیت اجتماعی است و خانواده‌ها و افراد را به حال خود رها می‌کند. زیرساخت اجتماعی اساسی دارد زیرا تعاملات محلی چهره به چهره (در مدرسه، زمین بازی و غذاخوری کوچک کنار خیابان) سنگ بنای تمامی زندگی عمومی هستند. آدم‌ها در مکان‌هایی که زیرساخت‌های اجتماعی سالم دارند، ارتباط برقرار می‌کنند، اما نه به‌منظور تشکیل گروه بلکه به این سبب که هنگام درگیری در تعاملات پلیدار مکرر، به‌ویژه در حال انجام کارهای موردعلاقه، روابط به شکلی گریزناپذیر رشد می‌کنند. (کلاینبورگ، ۱۳۹۹: ۱۵)

زیرساخت اجتماعی را می‌توان به دو گونه سخت و نرم تقسیم نمود، زیرساخت اجتماعی سخت مانند تسهیلات آموزشی و ... و زیرساخت اجتماعی نرم، مانند زیرساخت‌های حکمرانی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ورزشی، تفریحی و...) باشد. ذیلاً به برخی از عوامل زیرساختی فرهنگی حوزه کلان نمایش داده شده است

نمودار شماره ۱: برخی از عوامل زیرساختی فرهنگی اجتماعی حوزه کلان



نظام آموزشی:

در دوره‌های کسب مهارت و دانش عموماً به‌عنوان نوعی سرگرمی تلقی می‌شود، ولی امروزه رشد ذهنی، توانمندی تفکر عقلانی، توانایی اختراع و اکتشاف، وضع قانون و شناسایی آن به‌عنوان کلید پیشرفت و توسعه تلقی می‌شوند. چراکه آموزش و پرورش در درجه اول مهارت‌ها و نگرش‌های لازم را برای رشد و توسعه اقتصادی موجب می‌شود و در درجه قابلیت‌های لازم را برای سازگاری و انعطاف در برابر رویکردهای جدید و درگیر شدن با تغییرات تکنولوژیکی، اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌سازد. چنانچه جامعه‌ای که از نظر نیروی انسانی متخصص غنی باشد به دنبال آن سایر امکانات توسعه نیز توسط نیروی انسانی به وجود می‌آید. بنابراین رشد نهادهای آموزشی و علمی زمینه‌ساز مشارکت بیشتر مردم در تحولات اجتماعی و اقتصادی است و در مردم نوعی قابلیت و تحرک ذهنی ایجاد می‌کند که باورهای مناسب توسعه انسانی را پذیرفته و درونی می‌سازد. (شفرز، ۱۳۸۳: ۱۵۱)

بنابراین برای بروز فرهنگ متعالی به معنای تمایز اجتماعی از طریق انجام دادن فعالیت‌هایی که با درجه بالایی از تفکر همراه است نظام آموزشی و ساختارهای آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. (بهرامی ثابت، فتحی و میرساردو. ۱۳۹۳)

خط‌مشی‌های فرهنگی در ایران (بعد از پیروزی انقلاب اسلامی):

با پیروزی انقلاب اسلامی که اساساً خود را یک انقلاب فرهنگی می‌دانست، این انتظار به وجود آمد که تلاش منسجمی برای علمی ساختن جریان خط‌مشی‌گزار فرهنگی به وجود آید. برای بررسی میزان تحقق این انتظار می‌توان از دو مسیر تکمیلی این موضوع را بررسی نمود. اول مروری بر اسناد و متون مصوب، به‌عنوان سیاست‌ها و خط‌مشی‌های فرهنگی در بعد از پیروزی انقلاب، به‌منظور شناسایی خط‌مشی‌هایی که در رابطه با فرهنگ، به‌ویژه «فرهنگ توسعه»، است که شامل شش متن مکتوب می‌باشند که عبارت‌اند از:

- کلیات فرهنگی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- بخش فرهنگ در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۲۸-۱۳۷۲)
- اصول سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۱)
- بخش فرهنگ در برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۶-۱۳۷۸)



- بخش فرهنگ در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۳)
- بخش فرهنگ در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۶-۱۳۸۸)

و دوم پژوهش‌های انجام‌گرفته پیرامون تحولات شاخص‌های «فرهنگ توسعه» به‌منظور ارزیابی روند تحولات شاخص‌های مربوط به فرهنگ توسعه به‌عنوان نتایج عملی خط‌مشی‌گزاری فرهنگی در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی (بنیانیان، ۱۳۸۶: ۲۴۶)

هنجار، ارزش و باور

در اصطلاح دانش جامعه‌شناسی به یک الگوی رفتاری گفته می‌شود که روابط و کنش‌های اجتماعی را تنظیم می‌کند، اکثریت جامعه خود را به آن پایبند می‌دانند و در صورتی که شخصی آن را رعایت نکند (هنجارشکنی)، جامعه او را مجازات می‌کند. هنجار در اصطلاح لاتین به معنای «گونیا» است و به قانون یا قاعده‌ای گفته می‌شود که باید به آن رجوع کرد (بیرو، ۱۳۷۰: ۲۴۸). در واقع، هنجارهای اجتماعی را تجلی بیرونی ارزش‌های اجتماعی و قواعد تعیین‌کننده چگونگی تفکر و نحوه سلوک انسان می‌دانند. (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۴). از این رو، جامعه‌شناسان، فردی را بهنجار می‌گویند که با ضوابط اخلاقی و فرهنگی جامعه خویش سازگار و هماهنگ (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۸۳۰). ارزش‌ها عبارت از نتیجه‌گائی هدف و مقاصد کنش اجتماعی است. ارزش‌ها چندان مربوط به اصول موجود نیست بلکه مربوط به اصول آرمانی است. یعنی در حقیقت ارزش‌ها، گویای احکام اخلاقی است. ارزش با علایق، لذت‌ها، ترجیح‌ها، نیازها و بسیاری دیگر از چارچوب‌های جهت‌گیری انتخابی در رابطه است. به عبارت دیگر مکان ارزش‌ها را در عرصه گسترده و متنوع رفتارهای انتخابی باید جستجو کرد. (sills, 1968: 283) در یک تعریف ساده و رسا، باورها یا عقیده‌ها، اندیشه‌هایی هستند که فرد به‌درستی و حقانیت آن‌ها اعتقاد دارد. هویت نیز واقعیتی است که با تشابه و تفاوت در رابطه است (Barker, 2002: 225) باور از این جهت با مفهوم ارزش تفاوت دارد که درحالی‌که ارزش آن چیزی است که افراد آن‌ها خوب یا مطلوب تلقی می‌کنند، باور به چیزی بازمی‌گردد که افراد آن‌ها واقعی و حقیقی می‌دانند (singler, 200: 27)



۱-۲- ادبیات نظری:

دیدگاه‌های متعدد و متنوعی بالاخص در خصوص سیاست‌پذیری فرهنگ وجود دارد، اما به نظر می‌رسد در این بین دو دیدگاه اصلی وجود دارد و بقیه دیدگاه‌ها به شکل واسطه‌ای و ترکیبی بین این دو دیدگاه اصلی و محوری قابل توضیح می‌باشند. این دو دیدگاه یکی به‌عنوان دیدگاه افلاطونی و دیگری به دیدگاه ارسطویی معروف است. مطابق دیدگاه افلاطونی، فرهنگ جامعه کنترل‌پذیر است و وظیفه مهار و هدایت آن به سوی مسیرهای از پیش تعیین‌شده بر عهده دانایان و عقلاست. در دیدگاه ارسطویی وظیفه حکومت ایجاد چتری است که مردم در سایه آن با شادمانی و سعادت زندگی کنند. فضیلت و نیکی و سعادت مردم ریشه‌هایی دارد که سازمان‌یافتگی آن‌ها فقط به دست حکومت نیست. به نوشته ارسطو، روشن است که فضیلت و نیکی از سه چیز پدید می‌آید: منش و عادت و خرد. درواقع طبیعت برخی از ویژگی‌های تن و روان، آدمی را چنان می‌سازد که بر اثر عادت پذیرایی دگرگونی بهتری یا بدتری می‌شود. (بنیانیان، ۱۳۸۶) اما از منظری دیدگاه‌های دیگری نیز وجود دارد که تفهیم بهتر موضوع را بهبود می‌بخشد که ذیلاً مطرح می‌گردد.

نظریه‌های نهادی و ارزش‌های اجتماعی:

این نظریه‌ها رویکرد جامعه‌شناسانه داشته و واحد تحلیلی در آن‌ها نهادهای اجتماعی است و رشد و توسعه نهادهای اجتماعی را مورد بحث قرار می‌دهند. این نظریه‌پردازان به دو گروه تقسیم می‌شوند. برخی که عامل اساسی پیشرفت و توسعه را در نهادهای فرهنگی و نظام ارزشی جامعه می‌دانند و برخی که این نقش را به سایر نهادهای اجتماعی می‌دهند. این گروه، طبق تقسیم‌بندی آبراهام، بر گروه الگوهای فرهنگی قابل انطباق‌اند. پیروان الگوی فرهنگی به پیروی از نظریات ماکس وبر، کوشیده‌اند، مجموعه‌ای از ارزش‌های فرهنگی را که برای نوسازی جوامع در حال توسعه ضروری می‌نماید، مشخص کنند (افروغ، ۱۳۷۹). از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این مکتب می‌توان از بلاه، گیرتز، هوزلیتز، لیبسه و فیلور نام برد.

رابرت بلاه، در یکی از تحقیقات خود بر آن شد که عوامل رشد و توسعه اقتصادی ژاپن طی سده حاضر را در نهادهای سنتی مذهبی و اخلاقی جست‌وجو کند و سعی کرد جنبه‌های مختلف عقلانیت را در نهادهای اقتصادی - اجتماعی ژاپن مشخص نماید. او با محور قرار دادن اعتقادات مذهبی و نظام اخلاقی، به بررسی مجموعه قوانین و سیستم اخلاقی طبقه نظامیان ژاپن (سامورایی‌ها) پرداخت و عواملی نظیر آنچه را که و بر در بررسی پروتستان‌ها



یافته بود، پیدا کرد. او نتیجه گرفت که زهدگرایی، ارج نهادن به دانش، یادگیری و پشتکار، صرفه‌جویی و دوری از اسراف، وظیفه‌شناسی و... نه تنها قوانین اخلاقی سامورایی، بلکه کلیه نظام اخلاقی و ارزشی در اکثر بخشهای جامعه ژاپن طی دوره توکوگاوا را تحت تأثیر قرار داده است. (حریری اکبری، ۱۳۷۸). کلیفورد گیرتز، مطالعه رشد و توسعه اقتصادی در جاوه را بر مبنای کار وبر انجام داد. در این بررسی نیز معنویات و اخلاقیات و نظام‌های ارزشی نه تنها در رابطه با انگیزه‌های روانی، بلکه مهم‌تر از آن در ارتباط با نهادهای اجتماعی و اقتصادی مورد توجه قرار گرفته‌اند. به نظر وی اگر نهادها و ترکیب آن‌ها مناسب توسعه نباشد، عوامل بالقوه کاری از پیش نمی‌برند؛ پس رشد و توسعه بیش از هر چیز نیازمند ایجاد تحولات اساسی در ترکیب نهادی و نظام‌های ارزشی جامعه است (همان) بر اساس مطالعات هوزلیتز، توسعه و عدم توسعه ملت‌ها، به نوع نگرش و چارچوب کلی اجتماعی آن‌ها نسبت به مسئله کارآفرینی، پیشرفت علوم و تکنولوژی و چگونگی تلاش آن‌ها در تشکیل نهادهای سرمایه، بستگی دارد. وی معتقد است توسعه اقتصادی ناشی از فرآیندی است که نه تنها روابط اقتصادی، بلکه تمامی بافت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یک جامعه را متأثر می‌سازد و از آن‌ها نیز تأثیر می‌پذیرد و توسعه اقتصادی معمولاً با یک تغییر و تحول انفجاری آغاز می‌شود و به تعبیر رستو، نوعی «جهش» صورت می‌گیرد. در دوره جهش تحولات ساختاری و سازمانی سریعی صورت می‌گیرد که بازدهی جامعه را به نحو مؤثری افزایش می‌دهد و در دوره قبل از جهش، نهادهای اجتماعی جدید خلق شده، تنگناهای عرضه را به‌ویژه در خصوص شکل‌گیری سرمایه، رفع کرده و وضعیت و جو مناسب برای فعالیت کارآفرینی و نهادی کردن ظهور خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها به وجود می‌آید. (متوسلی، ۱۳۷۸). لیبسه، ترکیب جهان‌گرایی و پیشرفت را زمینه ظهور یک جامعه صنعتی می‌بیند. وی بر اساس مطالعات خود، عوامل فرهنگی زیر را به‌عنوان متغیرهای مهم بازدارنده پیشرفت می‌شناسد خاص‌گرای خانوادگی (هنجارهای رقابتی و بوروکراتیک ضعیف و فقدان تأکید بر اقتدار، رسمی) بر رفتار اظهاری تا وسیله‌ای، ارزش‌های اشرافی‌گری، نخبه‌گرایی، کارفرمایی حمایت‌گرا، خوارشماری، مصلحت‌گرایی و مادی‌گرایی، امتناع از پذیرش ریسک، فقدان تخصص شغلی و جهت‌گیری با دامنه تغییر کوتاه و نه بلند. فیلول، آنچه را که «مسئله آرژانتین» می‌نامند، به تفصیل مورد بحث قرار می‌دهد. از نظر وی عوامل فرهنگی زیر، به‌عنوان مانع توسعه اقتصادی آرژانتین عمل می‌کنند: برخورد با دنیا با حال انفعالی، حال‌گرایی با تأکید بر اهداف فوری، خوار شمردن کارهای یدی، تأکید بر نام خانواده و اجداد به‌عنوان وجه تمایز افراد و اعتقاد به اینکه



موفقیت زیاد با انتظار، امید و احترام به مقدسات یا بخت و اقبال به دست می آید (زارع، ۱۳۷۱).

مکتب اصالت فرهنگ یا فرهنگ گرایی:

طرفداران این مکتب معتقد بودند که گرایش‌ها و رفتارهای مشخصی که از قواعد معینی تبعیت می‌کنند، مبتنی بر تولیدات فرهنگی توده مردم هستند که اصالت خاصی دارند. توده مردم بر اساس فرهنگ توده به تولید و مصرف محصولات فرهنگی می‌پردازند. (بشیریه، ۱۳۷۹) برخلاف عقاید منتقدان فرهنگ توده که آن را یک کالای تجارتي و مصرف ساخته و پرداخته سوداگران می‌دانند، طرفداران اصالت فرهنگ معتقدند که فعالیت مردم در زمینه تولید و فرهنگ گرایان نمی‌توان فرهنگ را به‌عنوان یک کلیت از آحاد فردی به وجود آورنده آن جدا کرد، چرا که کل جدا از فرد انسان‌ها نمی‌تواند موجودیت داشته باشد. فرهنگ گرایان معتقدند که باید درصدد شناخت فرایندهایی بود که نقش آن‌ها انتقال از جزء به کل و یا برعکس است (فکوهی، ۱۳۷۸).

مکتب فرهنگ پذیری:

در مکتب فرهنگ پذیری نظر کلی این است که کافی نیست که همانند طرفداران نظریه اشاعه مداوم بر این تأکید داشته باشیم که فرهنگ‌های مختلف از طریق اشاعه از دیگر فرهنگ‌ها چیزهایی را اخذ کرده‌اند، بلکه آنچه مهم است این است که این کار چگونه انجام شده است. در حالی که وقتی ویژگی‌های فرهنگی از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر می‌رود اشاعه نامیده می‌شود، فرهنگ پذیری فرایندی است که بر اساس آن تمامی نظام زندگی در یک فرهنگ تحت نفوذ فرهنگ دیگری شروع به تغییر کند. به تعبیر هرسکویتس وقتی کودکی در فرایند رشد خود می‌آموزد که از سنت‌های فرهنگی خود تبعیت نماید این امر فرهنگ پذیری نامیده می‌شود، اما وقتی میان دو فرهنگ، مبادله ویژگی‌ها و مجموعه‌های فرهنگی صورت نمی‌گیرد، ولی آن‌ها با هم در رابطه فرهنگی قرار می‌گیرند بحث میان فرهنگی مطرح می‌شود. در مقابل، هرگاه بجای یک نظام زندگی در درون هر فرهنگ، نظام دیگری مستقر می‌شود، این عمل به ضد فرهنگ تعبیر می‌شود. هرچند که ممکن است در این حالت همسازی نیز مطرح شود، اما معمولاً چنین اتفاقی روی نمی‌دهد. آنچه معمولاً اتفاق می‌افتد این است که فرهنگ موردتهاجم، در ابتدا یکپارچگی خود را از دست می‌دهد و وقتی بهبود در آن آغاز می‌شود فردیت قبلی آن رو به زوال می‌گذارد و شکل نوینی به خود می‌گیرد و این فرایند است که غالباً ضد فرهنگی تعبیر می‌شود. (محسنی، ۱۳۹۶).



مکتب کنش متقابل:

در نظر طرفداران مکتب کنش متقابل اجتماعی، نمادها از مهم‌ترین بخش‌های ارتباطات انسانی هستند، یعنی صوری از ارتباط که امروزه ارتباطات غیر کلامی نامیده شده‌اند، یکی از انواع رفتارهای انسانی در نظر گرفته می‌شوند... (schaefer, 1989) از دیدگاه آنان پدیده‌ها از اهداف و مقاصد استراتژیک عاملان آن‌ها ناشی می‌شوند و نمی‌توان پدیده‌ها را ناشی از اجبارهای محیطی فرد (محیط اجتماعی) و یا نظام‌های کلی حاکم بر اجتماع (هنجارهای اجتماعی ساخت‌ها) دانست. (محسنی، ۱۳۹۶) از دیدگاه طرفداران مکتب کنش متقابل نمادین، کنش متقابل اجتماعی اهمیتی بسیار دارد، زیرا که معنا نه از طریق فرایندهای ذهنی، بلکه از طریق فرایند کنش متقابل حاصل می‌شود. جرج هربرت مید به‌عنوان یک عمل‌گرا اعتقادی به فرایندهای ذهنی جداگانه نداشت و آنچه مهم می‌دانست کنش و واکنش متقابل انسانی بود. برای طرفداران این نظریه نیز مهم این نیست که انسان‌ها از نظر ذهنی چگونه معانی و نمادها را به وجود می‌آورند، بلکه توجه آن‌ها بیشتر معطوف به این نکته است که انسان‌ها چگونه از طریق کنش متقابل نمادها و معانی را می‌آموزند. (ریتزر، ۱۳۷۴)

نظریه الگوهای فرهنگی:

نظریه الگوهای فرهنگی (patterns of culture) مبتنی بر انسجام فرهنگی است و توسط راث بندیکت و از قلمرو هنر و زیبایی‌شناسی الهام گرفته شده است. نظریه الگوها بر این نظر است که فرهنگ توسط افراد و گروه‌ها خلق شده است که هم با آن‌ها و هم با محیط در رابطه تعاملی است. باین حال تعامل‌ها از نوع زیست‌شناختی و جغرافیایی در حکم پیش‌شرط‌ها و نقطه‌های شروع برای رشد فرهنگی هستند، بی‌آنکه بتوانند تعیین‌کننده‌های آن باشند. این نظریه فرایند رشد فرهنگی را فرایند تاریخی می‌داند و نتیجه نهایی این فرایند تاریخی در هر زمان مجموعه‌ای از الگوهای به هم مرتبط خواهند بود، تاریخی بسیار خلاصه‌شده از یک گروه خاص با انتخاب‌های گذشته، اعم از هشیار و ناهشیار. به تعبیر کروبر فرهنگ یک متغیر مداخله‌کننده میان ارگانسیم انسانی و محیط است. نظریه الگوی فرهنگ با ساخت شخصیت یا دگرگونی در محیط و شرایط جمعیتی ربط داده شود (sills, 1968)

فرهنگ گرایی:

درصدد این است که فرهنگ را همانند نظام رفتارهای آموخته و انتقال‌یافته از آموزش و پرورش، تقلید و شرطی شدن در یک محیط اجتماعی معین تعریف کند. شکل‌گیری شخصیت به شکل هشیار و ناهشیار از طریق نهادها و ایفای نقش‌ها و قواعد و



رفتارهای عادی صورت مکی گیرد. از برجسته‌ترین ارائه‌کنندگان این اندیشه می‌توان به افرادی مانند لیتون، کاردینر بندیک و مید اشاره کرد. (boudon, 1999)

۲-۲- پیشینه پژوهش:

گرچه در حوزه فرهنگ و توسعه مطالعات گوناگونی صورت پذیرفته است لکن مطالعات میدانی دقیق برای شناخت متغیرها، زیرساخت‌ها و کمیت‌های مرتبط با فرهنگ پیشرفت و توسعه که منتج به ارائه مدل مدونی از فرایند صورت نگرفته است اما می‌توان از میان مطالعات و تحقیقاتی که به صورت عام متغیرهای فرهنگ عمومی را در سال‌های اخیر مورد پژوهش قرار داده‌اند، وضعیت کلی متغیرهای فرهنگی مؤثر بر رشد و توسعه را مورد نظر قرارداد. عناوین زیر مروری اجمالی به سابقه پاره‌ای از زمینه‌های مطالعات جامعه‌شناسی فرهنگی است.

پیشینه داخلی:

جدول شماره ۱: عناوین تحقیقات داخلی در حوزه فرهنگ و توسعه

نویسندگان	اهداف و یا سؤالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
طرح پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها (موج اول):	تحولات و نگرش‌های فرهنگی - اجتماعی	این طرح به منظور اندازه‌گیری تحولات فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی ایرانیان صورت پذیرفته است.
طرح پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها (موج دوم)	تحولات و نگرش‌های فرهنگی - اجتماعی	این طرح اجرای مجدد طرح قبلی است که در سال ۱۳۸۲ انجام گردیده است
پژوهش‌کنده علوم ارتباطی و توسعه ایران	آینده‌نگاری فرهنگی - اجتماعی	گرایش فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی ایران مورد ارزیابی قرار گرفته است.
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	ارزش‌ها و نگرش‌ها	بررسی ارزش‌های اجتماعی، احساس اجتماعی، باورها و هنجارها
سیف لو (۱۳۹۳)	بررسی مفهوم اقتصاد مقاومتی از طریق تعیین مقاومتی جایگاه آن در پارادایم علم اقتصاد و سخنان مقام معظم رهبری	با این فرضیه که اقتصاد مقاومتی یک راهبرد تاب‌آوری اقتصادی متناظر با مفهوم در ادبیات متعارف است، به این نتیجه رسیده که بر اساس بیانات رهبری، اقتصاد مقاومتی بهترین تفسیر را در قالب یک راهبرد اقتصادی فعال به خود می‌گیرد...



اقتصاد مقاومتی شامل زیرساخت‌ها، راهبردها، اهداف و مدیریت اقتصادی و اهرم‌های مقاوم بخش است.	مدل مفهومی سخنان مقام معظم رهبری پیرامون لبعاد، ویژگی‌ها و الزامات اقتصاد مقاومتی	تراب زاده، سجادیه، سمیعی نسب (۱۳۹۲)
اقتصاد مقاومتی به‌عنوان نماد مدیریت جهادی در اقتصاد ایران، می‌تواند به راهکار اصلی تحول در اقتصاد سیاسی ایران مطرح شود.	بررسی راهکار اصلی تحول در اقتصاد سیاسی ایران	هزاوی، حیدری (۱۳۹۳)
اقتصاد مقاومتی دارای مبانی، جنبه‌های تجربی، تاریخی و نگرشی و اصول راهنمای کاربردی برای تحقق مخصوص به خود هست.	بررسی مفهوم، مبنا و راهکارهای اقتصادی مقاومتی	دری نو گورانی و صالح اصفهانی (۱۳۹۲)
تبیین فرهنگ سیاسی ایران، قدرت و ارزش‌های اجتماعی	مبانی عشیره‌ای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی	محمود سریع القلم
تبیین میزان آگاهی، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران	رفتارشناسی	منوچهر محسنی
با ساختن مقیاس شخصیت، به سنجش شخصیت ایرانی پرداخته شده است.	شخصیت شناسی	مسعود چلبی
تحقق اقتصاد مقاومتی با استفاده از راهبرد مدیریت جهادی	اقتصاد مقاومتی	عقیل قربانی و همکاران

پیشینه خارجی:

جدول شماره ۲: عناوین تحقیقات داخلی در حوزه فرهنگ و توسعه

نویسندگان	اهداف و یا سؤالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
پیتر سوروکین	پویایی‌شناسی فرهنگی - اجتماعی	تبیین انواع فرهنگ و تشخیص همبستگی‌های بین آن‌ها
رونالد اینگلهارت	تجدد و دگرگونی‌های فرهنگی	تبیین رابطه بین توسعه اقتصادی و تغییرات ارزش‌های اجتماعی
شوارتز	توسعه و ارزش‌ها	بررسی افزایش سطح توسعه و ارزش‌های سنتی و محافظه‌کارانه
سینک	توسعه مقیاس انگیزه پیشرفت	به تکمیل کردن مقیاس‌های اندازه‌گیری پیشرفت، بر اساس تکنیک چندگزینه‌ای تأکید دارد.
هرمانس	نیاز به پیشرفت	در این پژوهش انگیزه پیشرفت را موردسنجش قرار گرفته است.



هال و جونز	زیرساخت اجتماعی	بررسی زیرساخت اجتماعی یا به عبارت دیگر ترکیب نهادها و سیاستها با یکدیگر
چن و چو	زیرساخت اجتماعی	نتایج این مطالعه نشان داده که وقتی اقتصاد به سمت وضعیت پایدار حرکت می‌کند، زیرساخت اجتماعی به افزایش رشد اقتصادی منتهی می‌گردد.

با توجه به طیف گسترده مباحثی که در قلمرو فرهنگ از دیدگاه جامعه‌شناسی می‌تواند قرار گیرد. چنانچه به این اجزا نگاه کنیم به حجم قابل توجهی از دیدگاه‌های نظری و مطالعات اعم از تحلیلی و یا میدانی بر خواهیم خورد که ضمن ارزشمند بودن این مطالعات منحصرراً ارتباط معناداری با متدولوژی تحقیق حاضر نداشته و عموماً مدلی کامل از زیرساخت‌های فرهنگی - اجتماعی لازم برای پیشرفت و توسعه کشور با راهبرد اقتصاد مقاومتی تبیین نگردیده است.

وجه نوآوری مقاله حاضر نسبت به مطالعات پیشین:

در خصوص نوآوری و بدیع بودن این مقاله، با عنایت به مطالعه پیشینه تحقیق و ضمن احترام به محققین این حوزه، با روش و ماهیت مساله محوری اتخاذشده در این تحقیق که در نهایت اهداف اقتصاد مقاومتی را بر اساس مدلی از زیرسازی فرهنگ توسعه ارائه دهد مورد علاقه قرار نگرفته و توجه چندانی به چالش‌های فرهنگی - اجتماعی مانع پیشرفت و توسعه جهت تأمین زیرساخت‌ها و عناصر شکل دهنده فرهنگ پیشرفت و توسعه آن هم به روش تولید نظریه پایه نگردیده است. لذا تردیدی باقی نمی‌ماند که هر یک از تحقیقات به عمل آمده به تنهایی نمی‌تواند مدلی مدون و چارچوبی از زیرساخت‌های اجتماعی در حوزه فرهنگ توسعه را تبیین نماید. چراکه هرکدام از موضوعات به یکی از ابعاد و جوانب فرایند توسعه (منطبق با روش‌شناسی علم خود) پرداخته‌اند. لیکن تبیین و کشف زوایای جانبی فرایندهای بطنی و پارامترهای مجهول در جامعه نخبگان به‌رغم اهمیت بسزایش در امر توسعه تا حدود زیادی از نظرها پنهان مانده است. مزیت پژوهش حاضر در مقایسه با پژوهش‌های مطرح‌شده در خصوص فرهنگ توسعه آنجا است که مدل ارائه‌شده در این پژوهش مدل جامع و مبتنی بر عمل است؛ که هم‌زمان کوشیده است به بیشترین مؤلفه‌های مؤثر در فرایند شناسایی زیرساخت‌های فرهنگی - اجتماعی فرهنگ توسعه توجه کند و از این منظر تلاش نموده تا گامی هرچند کوچک در پیوند نظریه و عمل بردارد. از جمله مهم‌ترین محدودیت‌های انجام پژوهش حاضر هماهنگی و مصاحبه با اساتید



و متخصصین و همچنین توزیع پرسشنامه‌های طرح در سطح وسیع‌تر این حوزه بود که با توجه به شرایط اپیدمی کوئید -۱۹ و شیوع بیماری کرونا در سطح جامعه عموماً مصاحبه‌ها و توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها را با چالش جدی مواجه نمود.

۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع پژوهش ترکیبی است، که در آن از نوع کاربردی و مطالعاتی - اکتشافی و مدل تدوین نظریه و گونه شناسی این پژوهش‌ها استفاده شده است. از این مدل زمانی استفاده می‌شود که هدف از اجرای نخستین مرحله از پژوهش شناسایی متغیرهایی مهم، ایجاد گونه شناسی یا نظامی برای دسته‌بندی یا خلق نظریه‌ای بدیع و نوظهور و نیز هدف از اجرای مرحله دوم، آزمون یا بررسی دقیق‌تر این یافته‌ها است (Tashakori & Teddli, 1998) به‌طور کلی رویکرد اکتشافی در مدل‌های ترکیبی در نمودار شماره ۳ نمایش داده شده است. در این رویکرد مرحله کیفی اهمیت بیشتری نسبت به مرحله کمی دارد.

نمودار شماره ۳: رویکرد اکتشافی در مدل‌های ترکیبی



در این مدل از تحلیل داده‌های کیفی، مقوله‌ها یا روابط خاصی ایجاد می‌شوند که خود زمینه‌ساز طرح سؤال‌ها و فرضیه‌هایی جهت آزمون در مرحله دوم برمی‌گردد. (Creswell & Clark, 2007) راهبرد پژوهشی مورد استفاده در مرحله کیفی نظریه داده بنیاد می‌باشد. نظریه داده بنیاد (گرند تئوری) یک راهبرد پژوهشی عام، استقرایی و تفسیری است که در سال ۱۹۶۷ توسط Glaser & Strauss به وجود آمد. (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶) این راهبرد عموماً به‌عنوان بهترین نمونه رویکرد استقرایی به شمار می‌رود. (Saunders et al. 2009:149) نظریه داده‌بنیاد یکی از راهبردهای پژوهش محسوب می‌شود که از طریق آن نظریه بر مبنای مفاهیم اصلی حاصل از داده‌ها شکل می‌گیرد. یعنی روند شکل‌گیری نظریه در این راهبرد حرکت از جز به کل است. (دانایی فرد و دیگران، ۱۳۸۶) این‌گونه خلق نظریه «قفسه‌ای و کتابخانه‌ای» نیست بلکه بر اساس داده‌های مشارکت‌کنندگان که فرآیندی را تجربه کرده‌اند، ایجاد می‌شود. (کرسول، ۱۳۹۱: ۸۵) در تعریفی دیگر (Lapan et al, 2011:41) نظریه داده بنیاد را یک روش استقرایی



رفت و برگشتی^۱، تعاملی و مقایسه‌ای برای ایجاد یک نظریه می‌داند؛ یعنی نظریه داده بنیاد بین گردآوری داده‌ها و مفهوم‌سازی در حال رفت و برگشت و اصلاح است.

سه رهیافت مسلط در نظریه‌پردازی داده بنیاد، مطرح هستند:

رهیافت نظام‌مند که با اثر Strauss & Corbin شناخته می‌شود. رهیافت ظاهر شونده که مربوط به اثر Glaser است؛ رهیافت ساخت‌گرایانه که توسط Charmaz پشتیبانی می‌شود. این راهبرد بر سه عنصر: «مفاهیم»، «مقوله‌ها» و «قضیه‌ها» استوار است. مفاهیم واحدهای بنیادی تحلیل هستند. مقوله‌ها را می‌توان به‌طور خلاصه طبقه‌ای از مفاهیم تعریف نمود. یعنی ترکیب یا کنار هم قرار گرفتن چند مفهوم تشکیل یک مقوله یا طبقه را می‌دهد. مقوله‌ها شالوده‌های تدوین نظریه‌اند. سومین عنصر نیز «قضیه‌ها» هستند که بیانگر روابط تعمیم‌یافته بین یک مقوله و مفاهیم آن و بین مقوله‌های معین است. (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۶)

در فرایند تحلیل نظریه داده‌های مصاحبه‌ای و متنی کدبندی می‌شوند. کدبندی اطلاعات شامل سه مرحله است: کدگذاری باز^۲، کدگذاری محوری^۳ و کدگذاری گزینشی یا انتخابی^۴. کدبندی باز در دو مرحله کدبندی اولیه و کدبندی ثانویه صورت می‌گیرد. کدبندی اولیه می‌تواند با کدگذاری سطر به سطر، عبارت به عبارت یا پاراگراف به پاراگراف داده‌ها انجام شود. به هر کدام از آن‌ها یک مفهوم یا کد الصاق می‌شود. در کدگذاری ثانویه با مقایسه مفاهیم، موارد مشابه و مشترک در قالب مقوله‌ای واحد قرار می‌گیرد؛ بنابراین انبوه داده‌ها (کدها - مفاهیم) به تعداد مشخص و محدودی از مقوله‌های عمده کاهش می‌یابد. سپس این مقوله‌ها در کنار یکدیگر قرار گرفته و به هم ارتباط می‌یابند. (محمدپور، ۱۳۹۲: ۱۰۱)

در کدگذاری محوری، نظریه‌پرداز داده بنیاد، یک مقوله مرحله کدگذاری باز را انتخاب کرده و آن را در مرکز فرآیندی که در حال بررسی آن است قرار می‌دهد (به‌عنوان پدیده مرکزی) و سپس، دیگر مقوله‌ها را به آن ربط می‌دهد. این مقوله‌های دیگر عبارت‌اند از: «شرایط علی»، «راهبردها»، «شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر» و «پیامدها». این مرحله شامل ترسیم یک نمودار است که «الگوی کدگذاری» نامیده می‌شود. در این الگو، شش جعبه (یا مقوله) از اطلاعات وجود دارد:

1- Zig Zag

2- Open Coding

3- Axial Coding

4- Selective Coding



- شرایط علی: مقوله‌هایی مربوط به شرایطی که بر مقوله محوری تأثیر می‌گذارند.
- زمینه: شرایط خاصی که بر راهبردها اثر می‌گذارند.
- مقوله محوری: یک صورت ذهنی از پدیده‌ای که اساس فرآیند است.
- شرایط مداخله‌گر: شرایط زمینه‌ای عمومی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند.
- راهبردها: کنش‌ها یا برهم‌کنش‌های خاصی که از پدیده محوری منتج می‌شود.
- پیامدها: خروجی‌های حاصل از استخدام راهبردها.

در مرحله کدگذاری محوری، توضیح و بیان منطقی مقوله‌ها امری حیاتی است. این کار از طریق خط داستان ۱ صورت می‌گیرد. خط داستان عبارت است از توضیح مفصل و جزءبه‌جزء مقوله‌های عمده با ارجاع به یادداشت‌ها، خلاصه‌ها، استناد به نقل‌قول‌های افراد مورد مطالعه. (محمدپور، ۱۳۹۲: ۱۰۳)

در کدگذاری گزینشی بر اساس مدل مرحله قبل، گزاره‌ها یا توضیحاتی ارائه داده می‌شود که طبقات مدل را به یکدیگر مرتبط ساخته یا داستانی را شکل می‌دهد که طبقات مدل را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. در حالت پیشرفته پژوهشگر کار را با ارائه ماتریس وضعیت به پایان می‌برد. (کرسول، ۱۳۹۱: ۸۸)

اما این روش تنها زمانی مجاز هستیم که از روش نظریه برپایه استفاده نماییم که در شرایط خاصی کاربرد این نظریه بتواند موضوعیت و مشروعیت علمی داشته باشد؛ که عمده‌ترین آن‌ها در سه بخش قلبل تفکیک است. نخست وقتی که نظریه‌ای نیست (عدم کفایت نظریه)، دوم نیاز به گزاره‌های فرضیه بیشتر (عدم کفایت فرضیه) و سوم نیاز به نظریه برای اینجا و اکنون (نظریه متصل و نه منفصل، نظریه واقعی و نه صوری). (فراستخواه، ۱۳۹۵)

۳-۱- نوع تحقیق:

از آنجایی که پژوهش حاضر در پی درک عوامل مؤثر (زیرساختی) بر شکل‌گیری فرهنگ توسعه منتج به تسهیل اجرای اقتصاد مقاومتی است و قصد دارد نتایج آن اقدامات اصلاحی و رهنمون‌های موثقی را ارائه دهد یک پژوهش کاربردی محسوب می‌شود. از منظر دیگر با عنایت به دانش‌افزایی ناشی از طراحی مدل و بررسی اثرات متغیرهای مؤثر در آن، این پژوهش جهت‌گیری توسعه‌ای دارد.

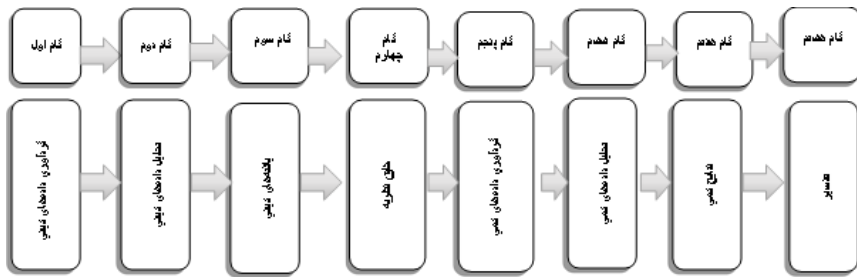
¹ - Story line



۳-۲- استراتژی کلی تحقیق:

در این پژوهش از هر دو رویکرد پژوهشی (کمی و کیفی) استفاده شده است. بدین ترتیب که در مرحله کیفی از رویکرد استقرایی و در مرحله کمی از رویکرد فرضیه‌ای - قیاسی استفاده شده است. این پژوهش در سه مرحله اجرا می‌گردد. مرحله اول که به صورت کیفی انجام می‌شود، داده‌ها از طریق انجام مصاحبه‌های ساختاریافته با مخاطبان مربوطه گردآوری شدند. در مرحله دوم عوامل کلیدی استخراج شده و به مدل تبدیل گردیدند. در مرحله آخر نیز آزمون مدل استخراج شده صورت گرفت که این مرحله به صورت کمی انجام گردید. مدل تدوین نظریه و گونه شناسی در نمودار شماره ۲ نمایش داده شده است.

نمودار شماره ۲: مدل تدوین نظریه و گونه شناسی



همان‌طور که بیان شد راهبرد پژوهشی مرحله کیفی، نظریه داده بنیاد در نظر گرفته شده است. منطق به‌کارگیری این مرحله از پژوهش، به کاربری آن باز می‌گردد. لذا راهبرد نظریه داده بنیاد (طرح نظام‌مند استراوس و کوربین) انتخاب شد تا با این مطلوب این تحقیق سازگاری داشته باشد. بر اساس این طرح که برای تحلیل داده‌های کیفی گردآوری شد، لازم است تا سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی سپری شوند تا در نهایت، پارادایمی منطقی یا تصویری عینی از نظریه خلق شده ارائه گردد (خیرگو، ۱۳۹۱: ۱۲۷).

در مرحله نخست داده‌های کیفی از خلال مصاحبه‌های عمیق با مشارکت‌کنندگان پژوهش گردآوری شد. به این صورت که با ۲۳ نفر از خبرگان و اساتید در ارتباط با مسئله تحقیق مصاحبه‌هایی رودررو، عمیق و با طرح پرسش‌های باز، بین ۳۰ تا ۶۰ دقیقه انجام شد. نمونه‌گیری به صورت نظری انجام گرفت. نمونه‌گیری نظری نوعی نمونه‌گیری هدفمند است که پژوهشگر را در خلق یا کشف نظریه یا مفاهیمی که ارتباط نظریه آن‌ها با نظریه در حال تکوین به اثبات رسیده است، یاری می‌کند. راهنمای نمونه‌گیری نظری پرسش‌ها و مقایسه‌هایی هستند که در خلال تحلیل مفاد مصاحبه‌ها با افراد بروز می‌یابند و موجب



کشف مقوله‌های مناسب خصوصیات و ابعاد آن‌ها می‌شود. (Strauss&corbin,1998) منبع نمونه‌گیری نظری تا رسیدن مقوله‌ها به اشباع نظری ادامه یافت. اشباع نظری مرحله‌ای است که در آن داده‌های جدیدی در ارتباط با مقوله پدید نمی‌آیند، مقوله گسترده مناسبی می‌یابد و روابط بین مقوله‌ها برقرار و تأیید می‌شوند. (Glaser,1978) بر اساس تحلیل داده‌های کیفی و تکمیل مرحله کدگذاری باز و محوری خط ارتباطی میان مقوله‌های پژوهش شامل شرایط علی، مقوله محوری، بستر، شرایط مداخله‌گر، راهبرد و پیامدها مشخص گردید.

۳-۳- تعریف مفاهیم یا متغیرها:

۳-۳-۱- اقتصاد مقاومتی و فرهنگ پیشرفت و توسعه

اقتصاد مقاومتی روشی برای مقابله با فشارها، تکانها، دشمنی‌ها و خصومت‌ها علیه یک منطقه یا کشور می‌باشد. در شرایط نابرابر و فاقد ارتباط مؤثر خارجی، اقتصاد مقاومتی به معنی تشخیص حوزه‌های فشار و پس از این تلاش برای کنترل و بی‌اثر نمودن آن تأثیرها و حتی یک گام فراتر، به دنبال تبدیل چنین تکانه‌هایی به فرصت و کاهش وابستگی‌های خارجی و تأکید بر تولید داخلی و خوداتکایی می‌باشد. (نو فراستی، ۱۳۹۵: ۱۶۰) ضمن اینکه بریگالیو و همکاران اقتصاد مقاومتی را توانایی بازایی یا تنظیم اقتصاد کشور در مقابل اثرات شوک‌های خارجی تعریف کرده‌اند (Briguglia,2006:288) تاب‌آوری و پایداری را باید دو ویژگی مهم و مطلوب یک سیستم اقتصادی تلقی کرد (Holling,1973:23) این واژه نخستین بار در شهریورماه ۱۳۸۹ توسط مقام معظم رهبری و در دیدار با کارآفرینان مطرح گردید. ایشان در تعریفی جامع و در دیدار با دانشجویان در سال ۱۳۹۱ فرمودند: "اقتصاد مقاومتی، یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین‌کننده رشد و شکوفایی کشور باشد" (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱). لذا ارکان اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری بر پنج شاخص، مقاوم بودن اقتصاد، استفاده از همه ظرفیت‌های دولتی و مردمی، حمایات از تولید ملی، مدیریت منابع ارزی و مدیریت مصرف استوار است. از این‌رو موضوع زیرساخت‌های فرهنگی - اجتماعی از مهم‌ترین موضوعات زیرساختی کشور بوده و تحقیقات بسترساز موضوعات مرتبط با تحقق اقتصاد مقاومتی است. اغلب لغت‌نامه‌ها واژه مقاومت و انعطاف را سرعت بازایی یک اقتصاد در اثر یک حادثه نامطلوب تعریف کرده‌اند. در ادبیات اقتصاد مقاومت و انعطاف حداقل در سه مورد خلاصه می‌شود. اول توانایی یک اقتصاد در بهبود شرایط پس از شوک خارجی، دوم



مقاومت در برابر اثر یک شوک و سوم جلوگیری از اثر یک شوک (Ovans,2015:29) اقتصاد مقاومتی ایستا توانایی برای حفظ عملکرد بدون نیاز به بازسازی و اقتصاد مقاومتی پویا را تغییر بهبود سریع پس از ایجاد شوک اقتصادی می‌باشد (Van Bergeijk,2016:19). جریان اقتصاد مقاومتی یک جریان فرهنگی و در بستر جامعه امروز است و بدین جهت حتماً باید ایدئولوژی و فرهنگ مربوط به آن تفهیم و درک گردد. در حوزه عملیاتی شدن این ایده‌ها، تعامل رویکردها، برنامه‌ها و پروژه‌های ملی در قالب جدول شماره ۳ ارائه گردیده است.

جدول شماره ۳: تعامل رویکردها، برنامه‌ها و پروژه‌های ملی اقتصاد مقاومتی

عنوان پروژه‌ها و طرح‌ها	برنامه‌های ملی	رویکردها
طرح‌های ارتقاء بهره‌وری نیروی کار، سرمایه، انرژی، آب، زنجیره تولید و مصرف گندم، آرد و نان	طرح ملی گفتمان سازی و فرهنگ‌سازی اقتصاد مقاومتی	مردمی بودن
طرح‌های تشویق همکاری‌های جمعی و مشارکت آحاد مردم در اقتصاد، تقویت فرهنگ مدیریت جهادی، اصلاح رفتارهای فعالان اقتصادی و خانوارها	طرح ملی مردمی کردن اقتصاد	
طرح توسعه تولید صنایع دست، فرش و گردشگری، طرح به‌کارگیری ظرفیت‌ها و قابلیت‌های متنوع جغرافیای مزیت‌های کشور - توانمندسازی بخش خصوصی	طرح ملی برنامه ملی بهره‌وری طرح ملی ارتقاء توان تولید ملی (درون‌زایی اقتصاد)	درون‌زایی اقتصاد
طرح‌های عدالت بین نسلی و چگونگی استفاده از انفعال و توانمندسازی فقرا و محرومین	طرح ملی شفاف‌سازی و سالم‌سازی اقتصاد (وزارت اقتصاد)	عدالت بنیان
طرح‌های مبارزه با اقتصاد زیرزمینی و قاچاق - مبارزه با فساد مالی، اداری و اقتصادی - حمایت از مالکیت فکری و معنوی و امنیت حقوق مالکیت	طرح ملی عدالت بنیان کردن اقتصاد و توسعه عدالت اجتماعی	
طرح‌های دانش‌بنیان کردن اقتصاد و جامعه و افزایش روند رشد و نوآوری	طرح ملی توسعه اقتصاد دانش‌بنیان	دانش‌بنیان

۳-۲-۳- جامعه‌پذیری:

جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن، عمل یا فعالیتی است که انسان بدون شخصیت خاص و بدون هویت خاص را که فردی غیراجتماعی و فاقد ویژگی مشخصی است، به فردی اجتماعی، دارای شخصیت مشخص و هویتی متمایز از دیگران تبدیل می‌کند.



(منادی، ۱۳۸۶: ۲۷) از آنجاکه در این تحقیق به عناصر و محتوای جامعه‌پذیری توجه می‌شود، این مفاهیم که شامل ارزش‌ها اجتماعی، باورهای اخلاقی، هنجارهای اجتماعی، قوانین و مقررات هستند، می‌بایست مورد مفهوم‌پردازی قرار گیرند. ارزش‌های اجتماعی نیز عناصری هستند که مورد احترام و قبول اکثریت افراد جامعه هستند که هم نیازهای مادی و معنوی آن‌ها را هدایت می‌کنند و شکل می‌دهند و هم در موقع قضاوت در مورد آن شخص، ملاک قرار می‌گیرد. هنجارهای اجتماعی: شیوه‌ها و سبک‌ها، رفتاری مشخصی هستند که قال با بر اساس ارزش‌های اجتماعی جامعه شکل گرفته و ساخته می‌شوند. قوانین و مقررات: دستورالعمل‌هایی هستند که یا گذشتگان آن‌ها را برای منافع جمعی و ضایع نشدن حق دیگران و حفظ نظم تدوین کرده‌اند و یا در زمان حاضر بر اساس نیازها و مقتضیات جامعه تدوین شده‌اند. (منادی، ۱۳۸۷: ۲۴) در واقع فرهنگ به ما می‌گوید که چه کسی هستیم و به کجا تعلق داریم (Mackay, 2001: 69) پذیرش فرهنگ، تعیین هویت، تعیین نقش اجتماعی و آموختن مهارت‌ها از اهداف جامعه‌پذیری می‌باشد که با سه مکانیسم تقلید (اطاعت بر مبنای اعتماد)، تلقین (پذیرش درونی) و آموزش به مفاهیم یاددادن، معرفی کردن و تکرار یک مسئله به نتیجه می‌رسد؛ بنابراین مطابق مطالعات صورت گرفته، نهاد خانواده، نهاد سیاست، نهاد دین، نهاد آموزش و پرورش، رسانه‌های جمعی و الگوهای جامعه از منابع اصلی جامعه‌پذیری در نظر گرفته می‌شود.

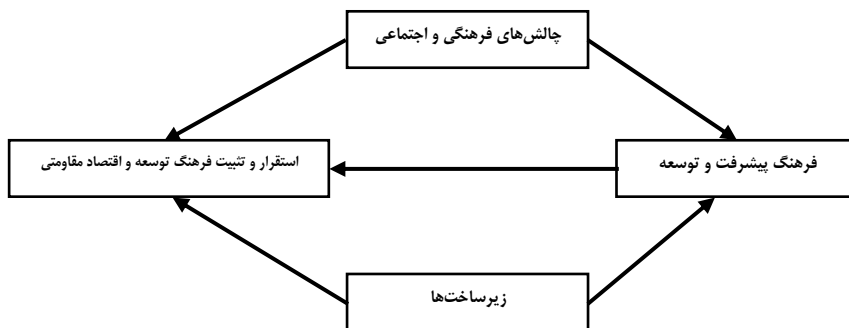
۳-۳-۳- نهادینه‌سازی:

نهادینه‌سازی یکی از اصطلاحات علم جامعه‌شناسی است که بیشتر از آن به نهادینه شدن تعبیر می‌شود. نهادینه شدن یک امر اجتماعی، یعنی پایه‌ای و ریشه‌ای شدن آن در متن و عمق جامعه و مقبول، تائید و به رسمیت شناخته شدن آن ارزش‌ها و مقررات توسط افراد جامعه است (گلابی، ۱۳۷۶: ۹۹). در اصطلاح بنا به تعریفی که در جامعه‌شناختی از آن صورت گرفته است، نهادینه شدن فرایند منظمی از هنجارها، پایگاه‌ها و نقش‌های بهم‌پیوسته است که جامعه آن را پذیرا شده است، از طریق نهادینه شدن رفتارهای خودانگیخته و پیش‌بینی‌ناپذیر، جای خود را به رفتار نظام‌یافته و پیش‌بینی می‌دهد؛ بنابراین از منظر جامعه‌شناسی زمانی می‌گویند که چیزی، فکری یا پدیده‌ای نهادینه شده است که در روند استواری مبتنی بر سازمان‌یافته شدن، سیستماتیک شدن و ثابت شدن قرار گیرد و نقش و کارکردهای آن مشخص شود. جامعه‌شناسان نهادینه شدن را نوعی



فرایند می‌دانند که طی آن اشکال منظم، با دوام و تا حد زیادی پیش‌بینی شده درکنش متقابل توسعه می‌یابد. این فرایند با شروع پذیرش هنجارها و انتظارات نقش‌ها توسط افراد که از طریق گروه‌های متفاوت از آن‌ها خواسته می‌شود انجام می‌گیرد و برخی نیز آن را فرایند تنظیم و الگو یافتن روش‌ها و رویه‌های مصوب جامعه تعریف کرده‌اند. (زاهدی، امرایی و نظر بیگی، ۱۳۸۹: ۵۵)

نمودار شماره ۳: مدل مفهومی پژوهش



۳-۳-۴- روش‌های گردآوری داده‌ها:

داده‌ها و اطلاعات مندرج در این پژوهش از دو منبع مختلف به دست آمده است. داده‌های اولیه از طریق مصاحبه و داده‌های ثانویه از کتاب‌ها، مقالات، اسناد و مدارک به دست آمده است. بدین ترتیب که در مرحله نخست داده‌های کیفی از خلال مصاحبه‌های عمیق (۳۰ مورد) با مشارکت‌کنندگان پژوهش گردآوری شد. نمونه‌گیری به صورت نظری انجام شد که این نمونه‌گیری تا رسیدن مقوله‌ها به اشباع نظری ادامه یافت. چراکه قاعده کلی به هنگام نظریه‌سازی این است که به گردآوری داده‌ها تا زمانی که مقوله‌ها اشباع شوند باید ادامه دارد (Glaser, 1978:128) بر اساس تحلیل داده‌های کیفی و تکمیل مرحله کدگذاری باز و محوری، خط ارتباطی میان مقوله‌های پژوهش شامل شرایط علی، مقوله محوری، بستر، شرایط مداخله‌گر، راهبرد و پیامدها مشخص شد.

۳-۳-۵- روش‌های تحلیل داده‌ها:

در مرحله اول به ارائه داده‌های کیفی برآمده از تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده با مشارکت‌کنندگان طرح مدل نظری مستخرج از دل این داده‌ها در چارچوب طرح نظام‌مند نظریه داده بنیاد اختصاص داده شد. به همین منظور نخست مقوله‌های به دست آمده از



فرایند کدگذاری باز پژوهش ارائه و سپس اجزاء پارادایم کدگذاری محوری، شامل شرایط علی، پدیده اصلی، راهبردها، زمینه شرایط مداخله‌گر به تفکیک و بر اساس مقوله‌های زیرمجموعه خود طرح و در آخر طبق کدگذاری انتخابی به هم پیوند داده شده‌اند. در مرحله دوم، ابتدا روایی و برازش مدل اندازه‌گیری مورد تأیید قرار گرفت سپس مدل‌های معادلات ساختاری پژوهش مورد آزمون و بررسی قرار گرفت.

۳-۳-۶- جامعه و نمونه:

جامعه آماری در مرحله کمی دیگر نخبگان و صاحب‌نظران حوزه فرهنگ و توسعه بودند که جمع‌آوری داده‌ها با روش نمونه‌گیری مبتنی بر نمونه‌گیری گلوله برفی صورت پذیرفت. باهدف حصول اطمینان از روایی محتوای سنجه، پرسشنامه برای ۵ تن از اساتید ارسال گردید، پس از دریافت بازخورد از این خبرگان، اصلاحات پیشنهادی انجام و پرسشنامه نهایی به صورت الکترونیکی و فیزیکی در قالب ۱۴ سؤال و ۱۴۴ گویه طراحی و تدوین گردید. در نهایت ۳۵ پرسشنامه جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای اطمینان از پایایی ابزار گردآوری داده‌ها، ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS گویای پایایی مناسب سنجه و مؤلفه‌های آن بود که مقدار آن در این تحقیق ۰/۹۲۳ برآورد شده است. به منظور انجام نمونه‌گیری در مرحله نخست پژوهش، از نمونه‌گیری نظری استفاده شد. نمونه‌گیری نظری نوعی است که پژوهشگر را در خلق مفاهیمی که ارتباط نظری آن‌ها با نظریه در حال تکوین به اثبات رسیده است، یاری می‌کند. (Strauss & Corbin, 1998) نمونه‌گیری نظری تا رسیدن مقوله‌ها به اشباع نظری ادامه یافت.

۳-۳-۷- روایی و پایایی ابزار جمع‌آوری اطلاعات:

روایی واگرا در یک مدل ساختاری، بر همبستگی اندک میان متغیرهایی که میان آن‌ها رابطه‌ای در نظر گرفته نشده، تأکید دارد. روش فرنل به‌عنوان یکی از شاخص‌های برآورد روایی واگرا محسوب می‌شود. این شاخص در واقع جذر میانگین واریانس استخراج شده را برای هر متغیر محاسبه کرده و در قطر اصلی ماتریس همبستگی میان متغیرها قرار می‌دهد؛ لذا اعداد موجود در قطر اصلی، باید از سایر اعداد در آن ستون بزرگ‌تر باشند. مطابق جدول شماره 4، روش فرنل برای مدل ساختاری نشان می‌دهد روایی واگرا در مدل به‌کاررفته در این پژوهش برقرار است؛ چراکه اعداد موجود در قطر اصلی ماتریس همبستگی میان متغیرها که جذر AVE آن متغیر را نشان می‌دهند، از سایر اعداد بزرگ‌ترند. پایایی سنجه‌ها از طریق ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه شده با استفاده از



نرم افزار آماری SPSS گویای پایایی مناسب سنجه و مؤلفه‌های آن بود که مقدار آن در این تحقیق ۰.۹۲۲ برآورد شده است.

جدول شماره ۴: روایی بین متغیرها

مقوله محوری	مقوله محوری	چالش‌ها	محیط کلان	راهبرد	پیامد شکل‌گیری	محیط خرد
مقوله محوری	1					
چالش‌ها	0.119	1				
محیط کلان	-0.005	0.83	1			
راهبرد	0.03	0.609	0.678	1		
پیامد شکل‌گیری	-0.536	0.48	0.528	0.728	1	
محیط خرد	0.112	0.281	-0.089	0.19	0.165	1

۳-۳-۸- مراحل انجام و به‌کارگیری روش:

در مرحله نخست استفاده از این راهبرد، به‌منظور فهم زیرساخت‌های اجتماعی - فرهنگی شکل‌دهنده فرهنگ توسعه نظریه داده بنیاد طرح و تدوین گردید. در محله دوم آن را در معرض آزمون کمی قرار دادیم تا از تصمیم‌پذیری یافته‌های پژوهش اطمینان حاصل کنیم. طبق نمونه‌گیری‌های باز، ارتباطی و متنوع و همچنین نمونه‌گیری ممیز، تعدادی از خبرگان و اساتید به‌عنوان مشارکت‌کننده انتخاب شدند و پس از مصاحبه‌های عمیق، گردآوری داده‌ها تا حد اشباع نظری ادامه یافت. ره‌آورد این مرحله از پژوهش، مدل کیفی به همراه گزاره‌های حکمی بود که در مرحله دوم در قالب فرضیه تبیین و در معرض آزمون کمی واقع شدند. فنون آماری با استفاده از نرم‌افزار smart PLS انجام شده‌اند.

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- یافته‌های تحقیق (تحلیل داده‌ها):

به‌طور کلی دو رویکرد برای برآورد پارامترهای یک مدل معادلات ساختاری وجود دارد. اولین رویکرد مبتنی بر کوواریانس بوده و دیگری مبتنی بر واریانس است. رویکرد مبتنی بر کوواریانس سعی در کاهش تفاوت بین کوواریانس نمونه و کوواریانس که توسط مدل نظری پیش‌بینی شده، دارد (امانی، خضری آذر و محمودی، ۱۳۹۱: ۴۵)؛ اما برخلاف آن، روش حداقل مربعات جزئی یا همان PLS سعی دارد واریانس متغیرهای وابسته‌ای که توسط متغیرهای مستقل پیش‌بینی می‌شوند را بیشینه‌سازی کند. مدل یابی PLS در سه



مرحله صورت می‌پذیرد. در مرحله اول، مدل اندازه‌گیری (مدل بیرونی) از طریق تحلیل‌های روایی و پایایی و تحلیل عاملی تأییدی مورد بررسی و در مرحله دوم، مدل ساختاری (مدل درونی) به‌وسیله برآورد مسیر بین متغیرها واکاوی و در نهایت برازش کلی مدل تبیین می‌گردد. به‌طور خلاصه رویکرد PLS این‌گونه عمل می‌کند: در ابتدا نسبت‌های وزنی که نشانگرها را به متغیرهای پنهان مورد نظرشان مربوط می‌کند برآورد می‌شود، سپس با در نظر گرفتن نسبت‌های وزنی به‌عنوان ورودی، مقادیر موردها برای هر متغیر پنهان بر اساس میانگین وزنی نشانگرهایش محاسبه می‌شود. در نهایت از این مقادیر موردها در معادلات رگرسیون استفاده کرده تا پارامترهای روابط ساختاری تعیین شود (همان) در این تحقیق، جهت اجرای مدل مفهومی (با توجه به حجم آماری) و تحلیل نتایج از نرم‌افزار PLS استفاده شده است.

۴-۲- ضریب تعیین R2

ضریب تعیین R2 معیاری است که بیانگر میزان تغییرات هر یک از متغیرهای وابسته مدل است که به‌وسیله متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. مقدار R2 تنها برای متغیرهای درون‌زای مدل ارائه می‌شود و در مورد سازه‌های برون‌زا مقدار آن برابر صفر است. هرچه مقدار R2 مربوط به سازه‌های درون‌زای مدل بیشتر باشد، نشان از برازش بهتر مدل است. سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای ضریب تعیین معرفی شده است (چین، ۱۹۹۸: ۳۲۳).

جدول شماره ۵: شاخص ضریب تعیین R2

محیط کلان	محیط خرد	پیامد	نهادینه‌سازی	جامعه‌پذیری	چالش‌ها	ضریب تعیین R ²
۰/۶۹۰	۰/۵۱۷	۰/۸۰۳	۰/۸۴۸	۰/۵۲۷	۰/۶۱۰	

۴-۳- محاسبه برازش مدل

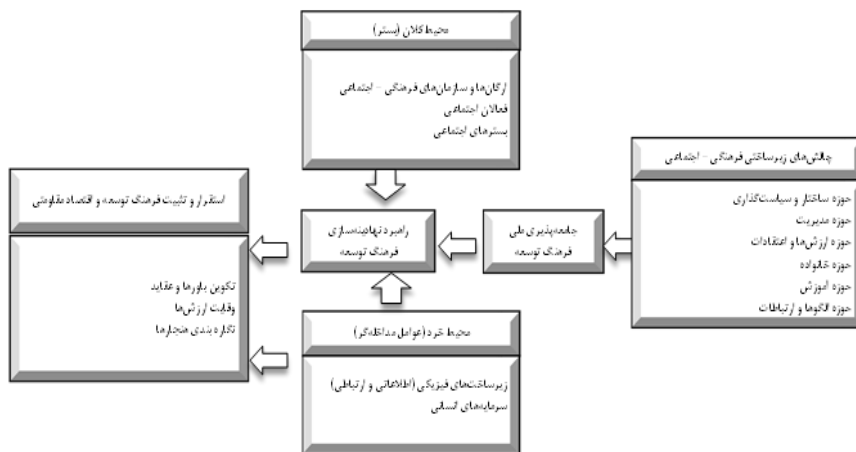
مهم‌ترین شاخص برازش، خطای جذر میانگین مربعات یا RMS است. این شاخص، اختلاف میان مدل ساخته‌شده با داده‌های تجربی را نشان می‌دهد. در صورتی که مقدار این شاخص بزرگ‌تر از ۰/۰۸ باشد، برازش قابل قبول است و اگر بالاتر از ۰/۱ باشد، برازش خوب است (سبحانی فرد، ۱۳۹۵: ۲۶۴) طبق این معیار، میزان برازش مدل ۰/۲۹۴ ارزیابی شده و از آنجاکه بالاتر از ۰/۱ است پس مدل از برازش خوبی برخوردار است.



ره آورد مرحله نخست: شکل گیری نظریه تحقق اقتصاد مقاومتی بر پایه فرهنگ پیشرفت و توسعه

نمودار شماره ۴ مرحله کدگذاری محوری و به عبارتی مدل فرایند کیفی پژوهش را نشان می دهد.

نمودار شماره ۴: نظریه زیرساخت های فرهنگی - اجتماعی فرهنگ توسعه (مرحله کدگذاری محوری)



در مرحله کدگذاری انتخابی، بر اساس مرحله کدگذاری محوری قضایای پژوهشی استخراج شد که مبنای فرضیه های پژوهشی در مرحله کمی را شکل داد. در مرحله کدگذاری محوری یا کدگذاری نظری محقق مقولات و مفاهیم به دست آمده از مرحله کدگذاری باز را باهم مقایسه نموده ترکیب و ادغام تقلیل و تخصیص می کند در واقع کل معانی به دست آمده از تحقیق را بر اساس ارتباطاتی که باهم دارند در چند نقطه وصل یا در چند محور اصلی یا در تعدادی ارتباط نظری مرتب سازی می کند کلاس اول کدگذاری محوری را مرتب کردن در آمیختن و سازمان دهی انبوهی از داده ها تعریف می کند (Creswell, 1998). و چهار مرز نیز گوهر اصلی کدگذاری محوری را ارتباط و چسبندگی میان معانی و مفاهیم می داند (Charmaz, 2006).

ادبیات مستخرج از تحقیق بر اساس موضوع سه نحله تبیینی برای فلسفه وجودی شکل گیری فرهنگ پیشرفت و توسعه را متصور می داند. نحله نخست شکل گیری فرهنگ پیشرفت و توسعه را بر اساس عوامل درونی طبیعی می کند. نحله دوم مدعی است شاخص



موردنظر را می‌توان بر اساس عوامل بین‌المللی و جهانی تبیین کرد. نحله سوم نیز بر ترکیب این دو عنوان تأکید دارد. بر این اساس مطابق آرا به‌دست‌آمده، در کشور ما نیز به دنبال چالش‌های موجود در حوزه‌های ساختار و سیاست‌گذاری، مدیریت، ارزش‌ها و اعتقادات، خانواده، آموزش و الگوها و ارتباطات، مسئولین و متولیان امر بر اساس وظیفه ذاتی خود همواره به دنبال راه‌حلی برای مسائل موجود بوده‌اند، اما در پی فرآیند راه‌حلی یابی برای چالش‌های مطرح‌شده، به دلایل مختلف (از جمله عدم وجود توان نظریه‌پردازی، نزدیک‌بینی مفرط و...) حلقه مفقوده جامعه‌پذیری ملی فرهنگ توسعه را یا شناسایی نکرده و یا به‌درستی در دستور کار قرار نداده‌اند. در این راستا سیاست‌گذاران و مدیران متولی با توجه به محیط کلان کشور (محیط‌های اقتصادی اجتماعی سیاسی و فرهنگی) و محیط خرد شامل (زیرساخت‌های فیزیکی (اطلاعاتی و ارتباطی)، سرمایه‌های انسانی و محیط‌های عمومی) مناسب‌ترین راهبرد اجرایی جهت مقابله با چالش‌های موجود را نهادینه‌سازی فرهنگ پیشرفت و توسعه تشخیص دادند. پیامد توسل به این راهبرد منجر به استقرار و تثبیت فرهنگ توسعه در کشور می‌شود. آنچه بر اثر این فرآیند در کشور رخ خواهد داد در قالب سه شکل نمایان می‌شود. یکی تکوین باورها و عقاید به معنی آفرینش و خلق باورها و عقاید، دیگری به‌غایت ارزش‌ها، به معنی نگه‌داشتن و محافظت نمودن ارزش‌ها و درنهایت نگاربندهی هنجارها به مفهوم شکل‌دهی و الگومندی هنجارها. بر همین اساس فرضیه‌هایی به‌صورت زیر تدوین شدند:

۴-۴- فرضیه‌های پژوهش:

بر اساس مدل مفهومی به‌دست‌آمده از مرحله کیفی و در پاسخ به پرسش‌های پژوهش، فرضیه‌های زیر تدوین گردید که عبارت‌اند از:

فرضیه اول: چالش‌های زیرساختی فرهنگی - اجتماعی (شامل شاخص‌های ساختار و سیاست‌گذاری، مدیریت، ارزش‌ها و اعتقادات، خانواده، آموزش و الگوها و ارتباطات) بر جامعه‌پذیری ملی فرهنگ توسعه دارای رابطه‌ای معنادار است.

فرضیه دوم: جامعه‌پذیری ملی فرهنگ توسعه در اتخاذ راهبرد نهادینه‌سازی فرهنگ توسعه در سطح کشور به‌عنوان راهبرد تحول نظام فکری فرهنگ توسعه ملی، دارای رابطه‌ای معنادار است.



فرضیه سوم: محیط کلان (بستر)، شامل ارگان‌ها و سازمان‌ها، فعالان و بسترهای فرهنگی - اجتماعی، در اتخاذ راهبرد نهادینه‌سازی فرهنگ توسعه دارای رابطه‌ای معنادار است. فرضیه چهارم: شرایط مداخله‌گر محیط خرد شامل حوزه‌های زیرساخت‌های فیزیکی (اطلاعاتی و ارتباطی) و سرمایه‌های انسانی و در اتخاذ راهبرد نهادینه‌سازی فرهنگ توسعه اثر مثبت و معناداری دارد.

فرضیه پنجم: راهبرد نهادینه‌سازی فرهنگ توسعه در پیامدهای حاصله از اجرای آن (شامل تکوین باورها و عقاید، وقایت ارزش‌ها و نگاره بندی هنجارها) دارای رابطه‌ای معنادار است. فرضیه ششم: شرایط مداخله‌گر محیط خرد (شامل حوزه‌های زیرساخت‌های فیزیکی (اطلاعاتی و ارتباطی) و سرمایه‌های انسانی) و در پیامدهای حاصل از اجرای راهبرد نهادینه‌سازی فرهنگ توسعه دارای رابطه‌ای معنادار است.

۴-۵- نتایج بررسی فرضیات تحقیق (آزمون نظریه)

در خصوص نتایج بررسی فرضیه‌های مدل و داوری نهایی متغیرها و پذیرش یا عدم پذیرش فرضیه‌های موجود در تحقیق، باید به گزارش‌های حاوی اطلاعات در مورد میزان احتمال متغیرها و نحوه قرارگیری آن‌ها نسبت به فاصله اطمینان رجوع نمود. در نرم‌افزار PLS این گزارش توسط Bootstrap فراهم‌شده و در مورد ثبات برآورد ضرایب و متغیرها نتایجی ارائه می‌نماید. فاصله اطمینان، دامنه‌ای است که در آن پارامتر واقعی جامعه با فرض سطح معینی از اطمینان در آن قرار می‌گیرد از آنجاکه در نرم‌افزار PLS میزان خطای نمونه به صورت پیش فرض ۰.۰۵ در نظر گرفته می‌شود ($\alpha = 0.05$) فاصله اطمینان ۹۵ درصد است. حال با توجه به فاصله اطمینان، برای پذیرش و یا عدم پذیرش فرض‌های مدل، می‌توان از معیار سنجش میزان احتمال t-value استفاده نمود. از آنجا که میزان خطای استاندارد نمونه ۰.۰۵ در نظر گرفته می‌شود، مقادیر آماره t نباید در بازه (-۱.۹۶ و ۱.۹۶) باشند، در این صورت فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود (در بازه اطمینان ۹۵ درصد) جدول شماره ۶ مقدار برآورد شده توسط ضرایب مسیر و سنجش میزان احتمال t-value آن را نشان می‌دهد. تمام اعداد واقع بر مسیرها بالاتر از ۱/۹۶ هستند و حاکی از معنادار بودن مسیرها، مناسب بودن مدل ساختاری و تأیید فرضیاتی با روابط مستقیم در پژوهش است. سه شاخص دیگر که از آن‌ها برای برآزش مدل‌ها استفاده شد، عبارت بودند از شاخص NFI که با میزان ۰.۰۶۶، d-uls با میزان ۲۵.۳۷ و SPMR با مقدار ۰.۲۹۱ تبیین گردید.



جدول شماره ۶: نتایج داوری فرضیه‌های تحقیق

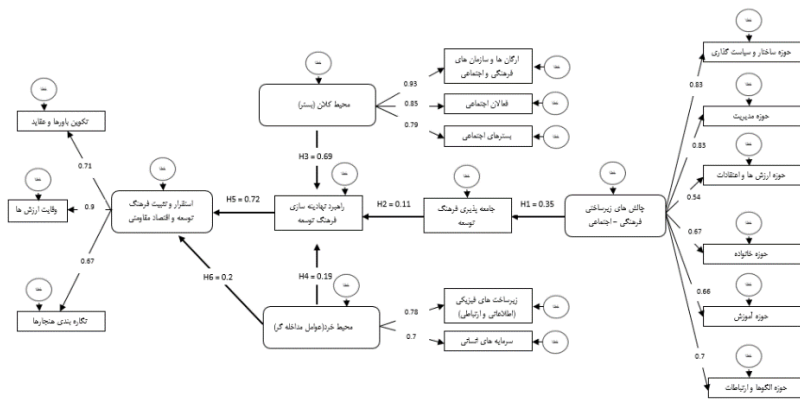
فرضیه	ضرایب مسیر	t-value	پذیرش / عدم پذیرش فرضیه
فرضیه شماره ۱	۰.۳۵۵	۰.۰۸۴	پذیرش فرضیه
فرضیه شماره ۲	۰.۱۱۲	۰.۰۴۵	پذیرش فرضیه
فرضیه شماره ۳	۰.۶۹۵	۰.۰۲۴	پذیرش فرضیه
فرضیه شماره ۴	۰.۱۹۱	۰.۰۴۴	پذیرش فرضیه
فرضیه شماره ۵	۰.۷۲۱	۰.۰۲۸	پذیرش فرضیه
فرضیه شماره ۶	۰.۲۰۷	۰.۰۴۱	پذیرش فرضیه

۴-۶- مدل نهایی پژوهش

بارهای عاملی مدل پژوهش نمایانگر این است که متغیرهای پنهان حوزه ساختار با میزان ۶۸ درصد²(۰.۸۳)، متغیر پنهان محیط‌های عمومی (از محیط خرد) با میزان ۶۰ درصد²(۰.۷۸)، متغیر پنهان محیط اقتصادی (از محیط کلان) با میزان ۸۶ درصد²(۰.۹۳) و متغیر پنهان نهادینه‌سازی فرهنگ توسعه (از راهبرد) با میزان ۸۱ درصد²(۰.۹) بیشترین توان را در تبیین واریانس متغیر پنهان دارند. به بیان دیگر از بین شاخص‌های موجود در متغیر چالش‌های زیرساختی شاخص ساختار و سیاست‌گذاری بیشترین تأثیر را بر جامعه‌پذیری ملی فرهنگ توسعه دارد. از متغیر محیط کلان، شاخص محیط اقتصادی و از متغیر محیط خرد شاخص محیط‌های عمومی بیشترین تأثیر را بر راهبرد نهادینه شدن فرهنگ توسعه دارند. در نهایت راهبرد تحقیق با توان قوی مبین تأثیرگذاری بر استقرار و تثبیت فرهنگ توسعه می‌باشد. نتایج به دست آمده از آزمون مدل کلی پژوهش نشان دهنده برآزش بالای مدل پژوهش می‌باشد. بدین ترتیب فرضیات مطرح شده پژوهش همگی مورد تأیید قرار می‌گیرند.



نمودار شماره ۵: نتایج حاصل از آزمون مدل کلی پژوهش (مدل نهایی پژوهش)



۵- بحث، نتیجه گیری و پیشنهادها

۵-۱- بحث

در این پژوهش و در راستای تحقق اهداف نهایی تحقیق، با اجرای پژوهشی اکتشافی از شیوه‌های ترکیبی، ابتدا در مرحله کیفی پژوهش با اجرای راهبرد نظریه داده بنیاد (گردند تئوری) مدلی با عناصر زیر استخراج گردید.

مقوله اصلی: جامعه‌پذیری ملی فرهنگ و توسعه پدیده اصلی تبیین‌کننده تحولات صورت گرفته در زیرساخت‌های فرهنگ پیشرفت و توسعه است. بر این اساس جامعه امروز ما به دلیل فقدان مکانیسم اجرایی مناسب برای سیاست‌ها و خط‌مشی‌های فرهنگی اتخاذ شده در برنامه‌های توسعه، نبودن شناخت کافی، از رابطه فرهنگ با تحولات اجتماعی در بین اغلب سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور، تأثیر تدریجی، آرام و بلندمدت فرایندهای فرهنگی در توسعه، عدم پیش‌بینی موضوع فرهنگ توسعه در اهداف و محتوا سازی سازمان‌های فرهنگی و آموزشی و همچنین اثرات ناشی از چالش‌های حوزه ساختار و سیاست‌گذاری، مدیریت، ارزش‌ها و اعتقادات، آموزش، خانواده و الگوها و ارتباطات، مبین خلأها و کاستی‌ها در فرایند جامعه‌پذیری فرهنگ توسعه در سطح کشور است

شرایط علی: چالش‌های زیرساخت‌های فرهنگی - اجتماعی فرهنگ توسعه در حوزه‌های ساختار و سیاست‌گذاری، مدیریت، ارزش‌ها و اعتقادات، آموزش، خانواده و الگوها و ارتباطات از علل تغییرات، تحولات و تمایلات به جامعه‌پذیری فرهنگ و توسعه محسوب می‌شوند.



راهبرد: یکی از راهبردهای مهم و اساسی جامعه‌پذیری فرهنگ توسعه، نهادینه‌سازی آن در جامعه است. در این راهبرد بر بومی‌سازی فرهنگ و مفاهیم توسعه، الگوبرداری از جوامع موفق و مشابه (درس‌آموزی) و مدیریت گرایی در ارتقاء فرهنگ توسعه در جامعه تأکید شده است.

بستر: از جمله عواملی که باعث می‌شود که کشور به راهبرد نهادینه‌سازی فرهنگ توسعه روی آورد محیط کلان که شامل نقش سازمان‌های فرهنگی و اجتماعی، فعالان اجتماعی و بسترهای اجتماعی است. خلأهای موجود در نظام توسعه و تحول نظام فکری، استفاده و به‌کارگیری تمام ظرفیت‌های دولتی و مردمی، ارتباط مناسب ارگان‌های فرهنگی - اجتماعی در سطح کشور، شکل‌گیری روحیه جهاد اقتصادی، تولید ملی، جوانمردی ایرانی و فرهنگ جهادی در بین اقشار جامعه به‌ویژه فعالان اجتماعی و چابکی و تناسب ساختارها و بسترهای اجتماعی منجر به تغییر و تحول در محیط کلان گردیده و منجر به هم‌راستایی و تبعیت از خط‌مشی‌های مرتبط آن‌ها می‌شود.

شرایط مداخله‌گر: مضاف بر بستر، استفاده از راهبرد نهادینه‌سازی فرهنگ توسعه تحت تأثیر شرایط مداخله‌گر خرد که شامل حوزه زیرساخت‌های فیزیکی (اطلاعاتی و ارتباطی)، مدیریت سرمایه‌های انسانی و محیط‌های عمومی می‌باشد، زمینه عام را برای تحقق راهبرد کشف‌شده فراهم می‌کند.

پیامد: بر اساس راهبرد نهادینه‌سازی فرهنگ توسعه، بستر و شرایط مداخله‌گری که منجر به ارتباط با آن می‌شود، پیامد استقرار و تثبیت فرهنگ توسعه ملی و اقتصاد مقاومتی را در بر خواهد داشت؛ که شامل مقوله‌های تکوین باورها و عقاید، وقایت ارزش‌ها و نگارندگی هنجارها می‌باشد.

نتایج پژوهش حاضر با مطالعات محسنی (۱۳۷۹) که تائید‌کننده رابطه بین سیاست‌های فرهنگی با مدیریت نهادهای تولیدکننده و رهبری‌کننده محصولات فرهنگی است و همچنین تأکید بر این‌که شرط تحقق عدم تمرکز انجام دادن فعالیت‌ها به شکل محلی و مستقل از قدرت مرکزی است، همخوانی دارد. دیدگاه اینگلهارد که فرهنگ را نظامی از نگرش‌ها ارزش‌ها و دانش که به‌طور گسترده در میان جامعه مشترک است نیز با نتایج به‌دست‌آمده هم‌راستا بوده و درنهایت با بخشی از دیدگاه‌های هرمانس (مؤلفه‌های نه‌گانه انگیزه پیشرفت) مغایرت مشاهده می‌شود.



۵-۲- نتیجه‌گیری:

با عنایت به پایه گزاره‌های حکمی یا قضایای مستخرج از بطن نظریه داده بنیاد در تحقیق کیفی، فرضیه‌هایی برای تبیین مدل تحقیق و افزایش روایی نظریه حاصل از بخش کیفی پیشنهاد و مورد آزمون قرار گرفت. نتیجه آزمون فرضیه‌های تحقیق منجر به تأیید نظریه حاصل از مرحله کیفی تحقیق گردید؛ اما در راستای نشان دادن تفاوت‌های بین عوامل مدل تحقیق تلاش شد که میزان اثرگذاری عوامل تبیین گردد. نتایج و یافته‌های تحقیق حاکی از این است که در صاحب‌نظران جامعه آماری تحقیق، نقش متغیرهای نهادینه‌سازی فرهنگ توسعه از اهمیت بالایی برخوردار است. به‌نحوی که در راستای چالش‌های موجود در حوزه‌های یادشده، سیاست‌گذاران و برنامه ریزان حوزه فرهنگ توسعه و اقتصاد مقاومتی (علیرغم تمام تلاش‌های صورت گرفته) نباید از عواملی همچون تجهیز امکانات لازم، در اولویت قرار دادن موضوع، ممارست در شناخت کافی و... قابل باشند و تجمیع منابع و محتوای فرهنگ توسعه را در قالب مکانیسمی مدون تبیین نمایند، که این امر قطعاً باعث تقویت جامعه‌پذیری فرهنگ توسعه می‌گردد.

به‌اجمال مهم‌ترین یافته‌های پژوهش عبارت‌اند از تأثیر مثبت و معنی‌دار متغیرهای چالش‌های زیرساختی فرهنگی و اجتماعی بروی جامعه‌پذیری فرهنگ توسعه که در توضیح باید گفت بیشترین تأثیر از حوزه سیاست‌گذاری و مدیریت اعمال شده است. بدین معنی که با اصلاح شاخص‌های سیاست‌گذاری‌ها و مدیریت جامعه‌پذیری فرهنگ توسعه تقویت خواهد شد. تأثیر متغیر جامعه‌پذیری فرهنگ توسعه بر راهبرد نهادینه‌سازی مثبت و معنی‌دار دیده شد، اما به لحاظ آماری از رابطه ضعیفی برخوردار است. در توضیح این رابطه باید گفت ماهیت جامعه‌پذیری و نهادینه‌سازی رابطه نزدیکی به هم داشته و این میزان تأثیر می‌تواند نتیجه‌ای از این نکته تلقی شود. تأثیر مثبت و معنی‌دار محیط کلان (بستر) بر راهبرد نهادینه‌سازی فرهنگ توسعه نشانگر اهمیت و ضرورت پرداختن به شاخص‌های این متغیر است که در این میان نقش سازمان‌های فرهنگی و اجتماعی بیشتر از دیگر شاخص‌ها تبیین گردیده است. ضرورت پرداختن به استقرار زیرساخت‌های فیزیکی (اطلاعاتی و ارتباطی) به همراه بهره‌مندی از سرمایه‌های انسانی که از آن به‌عنوان محیط خرد (مداخله‌گر) یاد می‌شود تأثیر معناداری بر راهبرد و نهادینه‌سازی فرهنگ توسعه را بیان می‌نماید. ارتباط و تأثیر معنی‌دار راهبرد نهادینه‌سازی فرهنگ توسعه بر استقرار و تقویت فرهنگ توسعه و اقتصاد مقاومتی مبین اهمیت و تأثیرگذاری این راهبرد دارد. شواهد نشان می‌دهد عوامل مداخله‌گر مانند زیرساخت‌های فیزیکی (اطلاعاتی و ارتباطی)



و همچنین سرمایه‌های انسانی تأثیر مستقیم و معنادار بر تثبیت فرهنگ توسعه و به تبع آن اقتصاد مقاومتی دارند.

در این تقریر ضمن پرهیز از توضیح روابط آماری بین متغیرها تلاش شد تا مختصری از چرایی رابطه‌ها ارائه گردد. در یک نتیجه‌گیری کلی باید خاطر نشان کرد، چالش‌های زیرساختی فرهنگی و اجتماعی که مسبب افول جامعه‌پذیری فرهنگ پیشرفت و توسعه در کشور شده، به تبع بر نهادینه‌سازی فرهنگ توسعه نیز تأثیرگذار می‌باشد. در عین حال باید گفت نهادینه‌سازی فرهنگ توسعه با تأثیراتی که از محیط کلان و خرد می‌پذیرد بر استقرار و تثبیت فرهنگ توسعه به‌عنوان زیرساختی مهم در تحقق اقتصاد مقاومتی است که پیامد تکیه بر این راهبرد و آنچه بر اثر این فرایند در جامعه رخ خواهد داد در قالب سه شکل مختلف نمایان می‌گردد. اولین شکل آن منجر به تکوین باورها و عقاید می‌گردد. فرایندی که در آن نگرش مطلوب نسبت به پیشرفت و مظاهر آن حاصل، عقل‌گرایی و برخورد علمی با مسائل تقویت اعتقاد به پیشرفت و توسعه نهادینه و آگاهی و آمادگی بر ای مقابله با گروه‌های اجتماعی معارض، فرصت‌طلب و سودجو افزایش می‌یابد. مطابق بند ۲۰ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی که در آن تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش‌افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی و... در نظر گرفته شده است. یکی از اساسی‌ترین ارکانی که می‌تواند در این راستا به تحقق اقتصاد مقاومتی منجر شود برخورداری از یک مدیریت جامع بر اساس معیارهای بومی، ارزش‌های ملی و باورهای مذهبی است. عزم ملی، ورود دستگاه‌های فرهنگی و رسانه‌ها به یکپارچه‌سازی مفاهیم فرهنگ و توسعه، حضور اسطوره‌ها و فرهیختگان فرهنگی (علماء، اساتید، هنرمندان متعهد و...) در عرصه فرهنگ، تقویت مسئولیت‌گرایی در جامعه از جمله راهکارهای کاربردی است که در تحقق این امر مؤثر است. چراکه ظرفیت کافی در حوزه رسانه موجود است و اینکه رسانه‌ها بیش از پیش در طول چند سال اخیر این بحث را مطرح کرده‌اند که به‌جای جدل میان وحدت و تنوع باید به مبادله پرداخت و به اختلافات احترام گذاشت. (Balle, 2004: 109) دومین شکل آن منجر به وقایت (حفظ و نگهداری) ارزش‌ها می‌گردد که نظم‌پذیری جمعی، یکپارچگی و وحدت در جامعه و رشد و توسعه فردی و اجتماعی بر مبنای شایستگی و تفهم از دستاوردهای آن باشد. مطابق بند ۲۱ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان‌سازی آن به‌ویژه در محیط‌های علمی آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی از اولویت‌های موجود کشور است. گفتمان‌سازی در انجام فعالیت‌ها و برنامه‌های کلان اقتصادی و سیاسی بیانگر شیوه‌های تبدیل برنامه به ادبیات حاکم بر زندگی تک‌تک نخبگان و مردم جامعه است. بر این اساس گفتمان‌سازی در وهله



نخست وظیفه نخبگان کشور می‌باشد. چراکه آنان به دلیل برخورداری از توانایی و مهارت لازم و مقبولیت و نفوذ قابل توجه در جامعه می‌توانند از کارگزاران تأثیرگذار به حساب آیند. سیاست‌گذاری و احداث اماکن عمومی شهری بر اساس نیازهای گفتمان‌سازی فرهنگ توسعه بر مبنای اقتصاد مقاومتی از جمله عوامل سازنده در این مقوله است. نهایتاً سومین شکل آن منتج به نگاره بندی هنجارها خواهد شد. فرایندی که در آن اعتقاد به برابری انسان و تکریم حقوق هم نوعان، اصلاح سبک زندگی، مشارکت عمومی در فرایند توسعه کشور و ارائه الگوهای مناسب به جامعه در سیاست‌گذاری‌ها و خط‌مشی‌گذاری‌های فرهنگی لحاظ می‌گردد. بند ۲۲ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به دولت برای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با هماهنگ‌سازی و بسیج پویای کلیه امکانات کشور اشاره دارد. نگاهی کوتاه به ساختارهای اطلاعاتی اقتصادی بیگانگان و استفاده حداکثری از توان انسانی این کشورها جهت ایجاد فشار بر ایران، بیانگر به‌کارگیری تمام توان و صرف هزینه قابل توجهی در رابطه تحریم‌ها بوده است. (زیرک، ۱۳۹۴: ۶۳).

مزیت پژوهش حاضر در مقایسه با پژوهش‌های مطرح‌شده در خصوص فرهنگ توسعه آنجا است که مدل ارائه‌شده در این پژوهش مدل جامع و مبتنی بر عمل است؛ که هم‌زمان کوشیده است به بیشترین مؤلفه‌های مؤثر در فرایند شناسایی زیرساخت‌های فرهنگی - اجتماعی فرهنگ توسعه توجه کند و از این منظر تلاش نموده تا گامی هرچند کوچک در پیوند نظریه و عمل بردارد. از جمله مهم‌ترین محدودیت‌های انجام پژوهش حاضر هماهنگی و مصاحبه با اساتید و متخصصین و همچنین توزیع پرسشنامه‌های طرح در سطح وسیع‌تر این حوزه بود که با توجه به شرایط اپیدمی کوید-۱۹ و شیوع بیماری کرونا در سطح جامعه عموماً مصاحبه‌ها و توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها را با چالش جدی مواجه نمود.

۵-۳- پیشنهادها:

جامعه‌پذیری فرهنگ پیشرفت و توسعه و اقدام و عمل متولیان امر، سبب می‌شود همگان در ساخت سرنوشت و آینده‌نگری کشور عزیزمان سهیم شوند. با عنایت به نتایج حاصل از این تحقیق، توصیه‌های ذیل می‌تواند کفه ترازوی زیرساخت‌های پیشرفت و توسعه درون‌زای جامعه را سنگین‌تر نماید.

- دستگاه‌ها و ارگان‌های متولی امور فرهنگی و دیگر سازمان‌ها در خصوص مفاهیم، اهداف، ضرورت‌ها و استراتژی‌های مهم و اساسی پیشرفت و توسعه کشور و



همچنین راهکارهای جاری آن (اقتصاد مقاومتی) به یک پارادایم مشترک و تلفیق دیدگاه کاربردی دست یابند.

- نقش فرهنگ در تحولات پیشرفت و توسعه کشور به‌عنوان سرلوحه‌ای کارآمد به مسئولین و سیاست‌گذاران جامعه تبیین و به‌عنوان شاخصی برای احراز مسئولیتشان در نظر گرفته شود.
- حمایت از هنرمندان، فرهیختگان، روحانیون و اندیشمندان شاخص، عرصه اشاعه فرهنگ پیشرفت و توسعه را راهبری و در جهت تکوین باورها، عقاید، هنجارها و همچنین حفظ و نگهداری ارزش‌ها را در جامعه و نهادینه‌سازی این امر همت گمارند.
- نظارت، ارزیابی و اثربخشی یکپارچه دستگاه‌های متولی از روند اجرائیات حوزه فرهنگ‌سازی کشور
- دستگاه‌ها و سازمان‌های اجرایی موظف به انجام پژوهش کاربردی و تبیین اثرگذاری متقابل فرایند کاری خود با استراتژی‌ها و الگوهای پیشرفت و توسعه کشور گردند.
- سازمان‌های مدیریت شهری موظف به انجام پژوهش در خصوص تصویب، قانون‌گذاری و اجرای امور عمرانی شهری با توجه به ظرفیت‌های فرهنگی جامعه گردند. مواردی همچون ساخت و تجهیز نیازهای فرهنگی - اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی، محلات و سطح شهر، ساخت اماکنی جهت گفت‌وگو، استفاده حداکثری از فضاهای در اختیار در جهت تبادل اندیشه و...
- وزارت آموزش و پرورش و سازمان صداوسیما و حتی سازمان‌های مرتبط دیگر بیش‌ازپیش، اهداف استراتژیک و الگوهای پیشرفت و توسعه کشور را در خط‌مشی‌ها، مصوبات و اجرای فرایندهای خود لحاظ نمایند.
- پایش متعهدانه و دقیق شاخص‌های بحرانی در نظام فرهنگی - اجتماعی و ارائه برنامه جهت رفع شاخص‌ها، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اقدام جامع مدیریت پدافند غیرعامل در حوزه مذکور، استفاده از ظرفیت‌های نخبگان کشور در عملیات آفندی و پدافندی حوزه فرهنگی - اجتماعی از جمله راهکارهای قابل توجه در این حوزه است.



۶- منابع

۱-۶- منابع فارسی

مقاله‌ها

- ۱) آقاری، زهرا. تیرگر، آرام (۱۳۹۴). بررسی الگوی بازیافت مواد در خانواده‌ها با عنایت به فرهنگ اسلامی. نشریه اسلام و سلامت. شماره چهارم
- ۲) بهادری، افسانه (۱۳۷۹). درآمدی بر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی. تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادین
- ۳) دانایی‌فرد، حسن. امامی، سید مجتبی. (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده بنیاد. اندیشه مدیریت، سال اول، شماره دوم - پاییز و زمستان. صفحه ۶۹ تا ۷۶
- ۴) زارع، بیژن (۱۳۷۱). نظریه‌های نوسازی مجموعه مقالات سمینار جامعه‌شناسی و توسعه تهران انتشارات سمت
- ۵) زاهدی، عبدالرضا؛ امرایی، ایوب و نظر بیگی، مریم (۱۳۸۹). "روش قرآن کریم در نهادینه‌سازی عفاف و حجاب". مجله مطالعات راهبردی زنان، سال سیزدهم، شماره ۴۹
- ۶) زیرک، معصومه (۱۳۹۴). "آسیب‌شناسی مخاطره‌پذیری اقتصاد ایران بر مبنای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی". مجله اقتصادی شماره ۹ و ۱۰
- ۷) سبحانی فرد، یاسر (۱۳۹۵). مبانی و کاربرد تحلیل عاملی و مدل‌سازی معادلات ساختاری همراه با استفاده از نرم‌افزارهای LISREL - SMART - SPSS - AMOS - PLS 3. تهران: دانشگاه امام صادق
- ۸) فکوهی، ناصر. ۱۳۷۸. فرایندهای فرهنگی معاصر و پیامدهای آن‌ها در حوزه انسان‌شناسی. نامه علوم اجتماعی شماره ۱۳
- ۹) نوفرستی، محمد (۱۳۹۵). "اقتصاد مقاومتی و راه‌های دستیابی به آن". فصل‌نامه سیاست‌های راهبرد کلان. سال چهارم
- ۱۰) هیر، جوزف و همکاران. مدل‌سازی معادلات ساختاری: کمترین مربعات جزئی. ترجمه: عادل آذر و رسول غلام زاده (۱۳۹۵). تهران: انتشارات نگاه دانش



کتابها

- ۱) افروغ، عماد (۱۳۷۹) چشم‌اندازی نظری به تحلیل طبقاتی و توسعه، تهران توسعه فرهنگ و دانش
- ۲) آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۰، چ ۲، ص ۲۴۸.
- ۳) امانی، جواد؛ هیمن، خضری آذر و محمودی، حجت (۱۳۹۱). "معرفی مدل یابی معادلات ساختاری به روش حداقل مجذورات جزئی و کاربرد آن در پژوهش‌های رفتاری". نشریه *برخط دانش روان‌شناختی*. شماره ۱
- ۴) بشیریه، حسین (۱۳۷۹). نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم، نشر موسسه فرهنگی آینده پویان
- ۵) بنیانیان، حسن (۱۳۸۶). *فرهنگ توسعه در ایران*. تهران: امیرکبیر
- ۶) بهرامی ثابت، حسین؛ فتحی، سروش و میرساردو، طاهره (۱۳۹۳). "بررسی تأثیر فرهنگ توسعه بر مشارکت اجتماعی شهروندان (مورد مطالعه: شهروندان مناطق یک، ده و بیست شهر تهران)". پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی گرمسار
- ۷) بیانات مقام معظم رهبری (۱۳۹۱). *دیدار با دانشجویان*
- ۸) جولویوس گولد و ویلیام ل کولب، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر پرهام و دیگران، تهران، انتشارات مازیار، ۱۳۷۶، ص ۸۳۰.
- ۹) حریری، اکبری (۱۳۷۸) مدیریت توسعه نشر قطره
- ۱۰) خیرگو، منصور (۱۳۹۱). *طراحی مدل برای تبیین انتقال خط‌مشی‌های تحول در نظام اداری به مدیریت دولتی ایران (پژوهش اکتشافی- ترکیبی)*. رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس. دانشکده مدیریت و اقتصاد
- ۱۱) دانایی‌فرد، حسن. الوانی، سید مهدی. آذر، عادل. (۱۳۸۶) *روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع*. انتشارات اشراقی. تهران.
- ۱۲) دیلینی، تیم. *نظریه‌ی کلاسیک جامعه‌شناسی*. ترجمه بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی (۱۳۸۷). تهران: نشر نی
- ۱۳) ریتزر، جورج. *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه: محسن ثلاثی (۱۳۷۴). تهران: انتشارات علمی
- ۱۴) شفرز، برنهارد. مبانی جامعه‌شناسی جوانان. ترجمه کرامت اله راسخ (۱۳۸۳). تهران: نشر نی



- ۱۵) فراستخواه، مقصود (۱۳۹۵). روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی. تهران. نشر آگه
- ۱۶) فکوهی، ناصر (۱۳۷۸). "فرایندهای فرهنگی معاصر و پیامدهای آنها در حوزه انسان‌شناسی". نامه علوم اجتماعی شماره ۱۳
- ۱۷) کلاینبرگ، اریک. کاخ‌هایی برای مردم. ترجمه: حسین جاجرمی (۱۳۹۹). تهران: انتشارات شیرازه کتاب ما
- ۱۸) کرسول، جان. (۱۳۹۱). پویش کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده بنیاد، قوم‌نگاری، مطالعه موردی). ترجمه حسن دانایی‌فرد، حسین کاظمی. انتشارات صفار. ویرایش دوم. تهران.
- ۱۹) کوئن، بروس. درآمدی بر جامعه‌شناسی. ترجمه: محسن ثلاثی (۱۳۸۵). تهران: نشر توتیا
- ۲۰) گلابی، سیاوش (۱۳۷۶). اصول و مبانی جامعه‌شناسی. تهران: میترا
- ۲۱) متوسلی، غلامعباس (۱۳۷۸). نظریه‌های جامعه‌شناسی، نشر سمت تهران. چاپ هشتم.
- ۲۲) متوسلی، غلامعباس (۱۳۷۸). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: نشر سمت
- ۲۳) محسنی، منوچهر (۱۳۹۶) بررسی جامعه‌شناسی فرهنگی ایران. تهران: انتشارات علمی فرهنگی
- ۲۴) محمدپور، احمد (۱۳۹۲). تجربه نوسازی (مطالعه تغییر و توسعه در هورامان با روش نظریه زمینه‌ای). تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- ۲۵) مسعود چلبی، جامعه‌شناسی نظم، تهران، نشر نی، ۱۳۷۵، ص ۲۴.
- ۲۶) مقام معظم رهبری (۱۳۹۷). "بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران". به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی
- ۲۷) منادی، مرتضی (۱۳۸۶). درآمدی جامعه‌شناختی بر جامعه‌پذیری. تهران: نشر جیحون
- ۲۸) موسایی، میثم (۱۳۸۹). دین، توسعه و فرهنگ. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی
- ۲۹) وبر، ماکس. اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری. ترجمه: عبدالمحمود انصاری (۱۳۷۱). تهران: نشر سمت
- ۳۰) وینر، مایرون. نوسازی جامعه. ترجمه: مقدم مراغه ای (۱۳۵۴). تهران: فرانکلین



Articles/Books/Websites

1. Aiginger, K. (2009), Strengthening the resilience of an economy: Enlarging the menu of stabilization policy to prevent another crisis, *Inter-economics*, 44 (5), pp. 309
2. Bakin,H,1993. Les reseaux et lrurs enjeux sociaux,paris,P.U.F
3. Balle,F.2004 .LES Medias,Paris, P.U.F
4. Barker,c,2002.making sens of cultural studies, London, sage
5. Boudon.r,et al,1999.dedionnaire de sociologie.paris,larouss.
6. Briguglio, L. ; Cordina, G.; Farrugia, N. and S. Vella (2006), Conceptualizing and Measuring Economic Resilience. Building the Economic Resilience of Small States,Malta: Islands and Small States Institute of the University of Malta and London: Commonwealth Secretariat, pp. 265-288.
7. Bruneau, M. Chang, S., Eguchi, R., Lee, G., O'Rourke, T., Reinhorn, A., Shinozuka, M., Tierney, K.,
8. Charmaz.K.(2006).constructing grounded theory : A practical Guide through qualitative analysis. London: SAGE
9. Chin, W. W. (1998). The partial least squares approach to structural equation modeling. *Modern methods for business research*, 295(2), 295-33
10. Creswell JW, Plano Clark VL.(2007) "Designing and conducting mixed methods research". Thousand Oaks, CA: SAGE
11. Glaser,B, 1978. Theoretical sensitivity. Mill valley ,CA: sociology press
12. Haimes, Y.Y. (2009). On the definition of resilience in systems. *Risk Analysis*, 4(29), 498-501.
13. Holling, C. (1973), Resilience and Stability of Ecological Systems, *Annu. Rev. Ecol.Syst.*, Vol. 4, Issue 1, pp.1-23.
14. Hultman,K,et al,2002.balancing individual and organizational values, new York, jossey – bass
15. Lapan, S. D., Quartaroli, M. T., & Riemer, F. J. (Eds.). (2011). *Qualitative research: An introduction to methods and designs*. 1st Edition. Jossey-Bass
16. Mackay,H,2001.investingating the information society, London, the open university
17. Manis, Jerome, and Meltzer, Bernard (eds),1978.symbolic interaction :A Reader in social psychology.3rd.Boston:alyn and bacon
18. Ovans, Andrea. (2015), What Resilience Means, and Why It Matters. *Harvard Business Review*.
quantitative approaches". Thousand Oaks, CA: Sage. .a
19. Saunders, M. Lewis, P., & Thornhill, A. (2009). *Research Methods for Business Students*. *Research methods for business students* (p. 649)
20. Schaefer,R,1989. *Sociology*, new York, mc Graw-Hill



21. Sills, D. L. (1968). Ed. international Encyclopedia of the social sciences, new York, macmilon co, vol. 3
22. Singler, E. (2000). advanced dictionary of sociology. New delhi, dominant
23. Strauss A, Corbin J. (1998), "Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques". 2nd ed. Thousand Oaks, CA: SAGE
24. Tashakkori A, Teddlie C. (1998), "Mixed methodology: Combining qualitative and
25. Van Bergeijk, P. A. G., Brakman, S., & Marrewijk, C. V. (2016). Heterogeneous economic resilience and the great recession's world trade collapse, Papers in Regional Science
26. Wallace, W., & von Winterfeldt, D. (2003). A Framework to Quantitatively Assess and Enhance Seismic Resilience of Communities, c Earthquake Spectra 19: 733-52.

